



یادداشتهای زندان

(مجموعه ۱۰۳ قطعه سروده هوشی‌مین در زندان)



ترجمه مصطفی نژاد



دیجیتال کننده: نینا پویان

هوشی مین

یادداشتهای زندان
(مجموعه ۱۰۲ قطعه سروده هوشی مین در زندان)

تهران ، نشر بین الملل ، ۱۳۵۸

زندگینامه مختصر هوشی مین

فهرست

بر مبنای زندگی و نظریه فلسفه بیان گامی در بهرمانی بر فواید هر
استاد و بنام و نامی و حیوان و وحش

زندگینامه مختصر هوشی مین

۷

یادداشتهای زندان

۳۸

بر مبنای زندگی و نظریه فلسفه بیان گامی در بهرمانی بر فواید هر
استاد و بنام و نامی و حیوان و وحش

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

زندگینامه مختصر هوشی مین

یادداشتهای زندان

تجدید

روزنامه

روزانه

۲

۸۶

زندگینامه مختصر هوشی مین

زندگینامه مختصر هوشی مین

در مبارزه خلقها و طبقات ستمدیده جهان گاهی به رهبرانی بر خورد می کنیم که از بطن توده‌های محروم بر خاسته‌اند و تجسم واقعی رنجبران و زحمت کشانند و تاریخ زندگیشان با تاریخ تحولات نهضت انقلابی خلقشان عجین شده است. هوشی مین یکی از این نادر رهبران روزگار ما است. در این مختصر سعی خواهد شد زندگی و فعالیت‌های او با جمال مورد بررسی قرار گیرد:

زندگی اولیه :

نام حقیقی او نگوین تات تانه (۱) بود و در ۱۹ ماه مه سال ۱۸۹۰ در دهکده هوانگ‌ترد (۲) در استان "نگمان" (۳) واقع در ویتنام شمالی فعلی و هندوچین سابق فرانسه متولد شد. پدرش "نگوین سینه هوی" (۴) یک مدرس فقیر روستائی بود. هوشی مین در دهکده "کیم‌لین" (۵) پرورش یافت. او دوران کودکی بسیار فلاکت باری را گذراند.

زندگی هودر جو عصبانیت، تلخی و تنفر نسبت به استعمار فرانسه شروع شد. در سال ۱۸۸۵ ژنرال فرانسوی "دوکرسی" (۶) با استفاده از امپراتور جوان آنام، هام‌نگی (۷) قراردادی را به این سرزمین تحمیل کرده بود که بر اساس آن آنام (که به سرزمین ویتنام جزو آن بود) بصورت تحت‌الحمایه فرانسه در میآید و این موضوع مبارزه ضد استعماری شدیدی را از جانب خلقهای استعمارزده آنام باعث شد که کودکی هوشی مین را نیز سخت تحت تاثیر قرار دهد.

1-NGUYENTAT THANH

5-KIMLIEN

2-HOANGTRU

6-DE COURCY

3-NGHE AN

7-HAM NGHT

4-NGUYEN SINH HOY

پدر هو خود یکی از مبارزین ضد استعماری فرانسه بود که سالها را در در بدری و آوارگی گذارنیده بود. خواهر بزرگترش "تانه" (۱) که مدیره غذا- خوری افسران فرانسوی بود به سرقت اسلحه و مهمات و تحویل آن به آزادی خواهانی که علیه فرانسه به جنگ پارتیزانی دست زده بودند اشتغال داشت. فرمانداری که او را بخاطر اینکار زندانی کرد به او گفت: "زنان دیگر بچه می آورند ولی تو تنگ میآوری". با این زن مبارز سالهای سال در زندانهای مخوف فرانسه بسر برد. برادر هو بنام خیم (۲) نیز یک ناسیونالیست مبارز و فعال بود که علیه سلطه فرانسه پیکار میکرد.

هوشی مین ده ساله بود که مادرش را از دست داد در سن پانزده سالگی پس از مشقات بسیار توانست به دبیرستان "کواک هاگ" (۳) که فرانسویها و ویتنامیها در آن تحصیل میکردند راه یابد. در این زمان طرز فکر یکرهبر ناسیونالیستی تاثیر عمیقی برهوی جوان بجای گذاشت بطوریکه او هرگز اندرز این رهبر را از یاد نبرد: "آنهایکه آرزوی آزادی کشور را دارند باید یک حزب قوی تشکیل دهند." در زمان تحصیل در این مدرسه بود که هو به قیامی که در سال ۱۹۰۸ سراسر ویتنام را فرا گرفت پیوست و فعالانه در آن شرکت کرد. هوشی مین بعزت فقر شدید مادی و درگیری در فعالیتهای انقلابی نتوانست تحصیل خود را ادامه دهد. لذا بعد از ۴ سال تحصیل پر درد سر و نومید- کننده مدرسه را رها کرد و از ژانویه تا سپتامبر ۱۹۱۱ به تدریس در یک مدرسه بسیار کوچک پرداخت.

چیزی نگذشت که از این کار هم خسته شد و بسوی سایگون رهسپار گردید و در یک انستیتوی فنی ثبت نام کرد تا دوره ای را در دریانوردی به اتمام رساند. لیکن مرغ بلند پرواز اندیشه اش او را از این کار نیز باز داشت. او از

1- THANH

2- KHIEM

3- OUOC HOC

مدتها پیش در فکر سفر به چین یا فرانسه بود. زیرا انقلاب چین تازه شروع شده بود. در فرانسه نیز "پان چوترینه" (۱) مبارز سرسخت ویتنامی فعالانه به مبارزه آزادیخواهانه اشغال داشت. دو ماه بعد از ثبت نام در مدرسه مذکور بود که هوشی مین راهی برای رفتن به فرانسه پیدا کرد. او در یک کشتی فرانسوی بنام - که بین هایفونگ و ماری مسافرت می کرد، بعنوان آشپزکاری پیدا کرد و با نام مستعار "پا" (۲) در آن بکار پرداخت. در این مرحله است که زندگی دریانوردی هوشی مین آغاز میشود. کار طاقت فرسا در کشتی وطنی طریق در پهنه بیکران دریاها و مشاهده مناطق و مردمان مختلف افق دید هوشی مین را وسیعتر مینمود و انقلابی آینده را در کوره حوادث زندگی آبدیده میکرد.

زندگی دریانوردی هوشی مین از سه سال بطول انجامید در این مدت او توانست از بسیاری از بنادر اروپائی و آفریقائی و شهرهای امریکائی "بوستون" و "نیو-یورک" دیدار کند و سرانجام در لندن رحل اقامت افکند. در لندن در آشپزخانه هتل "کارلتون" کاری برای امرار معاش پیدا کرد بطوریکه توانست سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۷ را در این شهر گران و مه آلود سر کند. هوشی مین در طول اقامتش در لندن علاقه شدیدی به قیام ایرلند پیدا کرد. با "فابیانه" حشر و نشر و کتابهایی در مورد سیاست مطالعه نمود. در همانجا بود که او به مفهوم عمیق انقلاب جهانی پی برد. لیکن در عین حال تشخیص داد که با زندگی در لندن نمی تواند تاثیر زیادی بر آینده کشورش داشته باشد.

لذا علی رغم خطرات ناشی از جنگ و تبعیضاتی که در فرانسه نسبت به آنامیها معمول میشد، در بحبوحه جنگ جهانی اول راهی پاریس شد. زندگی

] - PHAN CHU TRINH

2-BA

در پاریس سخت و توانفرسا بود. هو مجبور شد برای گذران زندگی و ادامه فعالیت‌های انقلابی خویش به مشقت بارترین کارها تن در دهد. مدتی باغبان بود بعد به رفتگری مشغول شد، سپس پیشخدمتی کرد چندی نیز در یک مغازه عکاسی بعنوان کارگر روتوشی عکس استخدام شد.

او حتی از کار کردن بعنوان آتش انداز که کاری بسیار پر مرارت است نیز ابا نکرد. همین برخورد با واقعیت‌های زندگی و درک واحساس رنج و ستم و استثمار بود که از هوشی مین شخصیتی ساخت که او را "بکلی از رهبرانی که بر چسب خلقی بخود می‌چسبانند و در برج عاج مینشینند و از بالا توده‌های زحمتکش را رهبری میکند بکلی ممتاز و مشخص مینماید.

سالهای اقامت در فرانسه

هوشی مین در حالیکه برای گذران زندگی خود سخت کار میکرد، با رهبران جناح چپ فرانسه نیز آشنائی حاصل نمود و از ناسیونالیست‌های سرزمینهای مستعمرات که در پاریس زندگی میکردند سازمانی تشکیل داد بنام "اتحادیه بین مستعمراتی" (۱). این سازمان یک مجله هفتگی داشت بنام "رانده شده" (۲) که هوشی مین آنرا سر دبیری میکرد. او در عین حال برای مجله سوسیالیستی "مردم" (۳) نیز با نام مستعار "نگوین اکواک" (نگوین وطن پرست) که یکی از چندین نامهای مستعار او در جریان فعالیت‌های انقلابی بود، مقاله مینوشت.

در ژانویه سال ۱۹۱۹ هوشی مین یک دادخواست هشت ماده‌ای به دبیر کل کنفرانس صلح ورسای که جنگ بین الملل اول را به پایان رسانید تسلیم

1-INTER-COLONIAL UNION

2-LA PARIA (THE OUTCAST)

3-LE POPULAIRE

کرد. در این دادخواست هوشی مین خواستار شد که قدرت استعماری فرانسه در هندوچین به مردم بومی نیز همان حقوقی را اعطا کند که استعمارگران از آن بر خوردارند. این دادخواست که از اعلامیه ۱۴ گانه ویلسون رئیس جمهوری آمریکا الهام می‌گرفت ولحنی ملایم و معتدل داشت و عمدتاً " شامل خواسته‌های ذیل بود:

۱- نمایندگی دائمی در پارلمان فرانسه

۲- آزادی مطبوعات

۳- آزادی برقراری اجتماعات و تشکیل انجمن‌ها

۴- بخشودگی و آزادی زندانیان سیاسی

۵- حکومت قانون بجای حکومت بوسیله فرمان

۶- تساوی حقوق قانونی بین فرانسوی‌ها و آنامی‌ها

دادخواست فوق‌هیچگونه عکس‌العملی از طرف صلح‌سازان روزگار در پی نداشت، ولی از نظر بسیاری از ویتنامی‌های آگامترین اقدام کم از یک عمل انقلابی جلوه نکرد. آنها در هوشی مین قهرمانی را دیدند که خود را با تمام وجود و قهرهایی سرزمینش کرده‌است. سال بعد هوشی مین با الهام از موفقیت انقلاب کمونیستی در روسیه و دکتترین ضد امپریالیستی لنین، به کمونیستهای فرانسوی پیوست و آنها را، که در دسامبر سال ۱۹۲۰ از حزب سوسیالیست فرانسه خارج شده بودند، در سازمان دهی حزب کمونیست یاری کرد. به این ترتیب هوشی مین را باید به عنوان یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست فرانسه بشمار آورد. هوشی مین بدنبال پیوستن به حزب کمونیست، در نشریه خود بنام "رازده شده" (۱) طی سلسله مقالاتی بلای استعمار فرانسه و بریتانیا را مورد نکوهش قرارداد. در همین زمان جزوه شدید الحنی را منتشر ساخت بنام " روند استعمار فرانسه" که در آن پدیده استعمار را با باریک بینی تحلیل نمود و به شدیدترین

صورتی محکوم کرد .

هوپساز سالها فعالیت انقلابی در فرانسه و آشنایی با بسیاری از رهبران کارگری این کشور ، در پایان سال ۱۹۲۳ پاریس را به قصد مسکو ترک گفت . در ۲۷ ژانویه سال ۱۹۲۴ بدنبال مرگ لنین تودیع نامه‌ای را پراودا بابانی کشور شوراها و آموزگار بزرگ زحمتکشان و خلقهای تحت ستم دیده جهان منتشر ساخت که چنین آغاز می شد :

"لنین درگذشت . ما می خواهیم چکار کنیم ؟ این سئوالی است که توده های تحت ستم در مستعمرات بانگرانی از خودشان می پرسند"

شش ماه بعد ، از هفدهم ژوئن تا هشتم ژوئیه سال ۱۹۲۴ ، هوشی مین در پنجمین کنگره بین الملل کمونیستی فعالانه شرکت کرد . در این کنگره او توانست با برخی از رهبران انقلاب اکتبر مانند بوخارین ، رادک ، زینویف ، استالین وحتى به گفته برخی تروتسکی ملاقات کند . او همچنین با نمایندگان خارجی شرکت کننده در کنگره مانند دیمیتروف (که بعدها بصورت یکی از مشا-ورانش درآمد) ، کوسی نن (۱) و تاکلمان (۲) آشنا شد و بالاخره با انقلابیون نامدار آسیا مانند "لی لی سان" از چین (۳) و "روی" (۴) از هندوستان نیز محشور گردید . شرکت در کنگره پنجم بین الملل کمونیستی حائز اهمیت بسیار بود . زیرا این نخستین بار بود که هوشی مین در یک کنگره بین المللی از فاجعه استعمار پرده برمی داشت و آنرا با شدیدترین لحنی محکوم مینمود . هوشی مین در این کنگره حتی حزب کمونیست فرانسه را بخاطر عدم اتخاذ موضعی سر-سختانه علیه استعمار مورد انتقاد قرار داد .

در همین کنگره بود که هوشی مین بیانیهای را منتشر ساخت که میتوان آنرا

1-KUSINEN

3-LiLi-SAN

2-THAELMAN

4-J.H.ROY

نخستین سندی دانست که در آن اعتقادات هو در مورد اهمیت نقش انقلابی دهقانان ستمدیده ، بصورتی منظم ارائه شده است .

در دسامبر سال ۱۹۲۴ ، هوشی مین با نام مستعار "لی تهوی" (۱) به استان کانتون در چین که بصورت پایگاه کمونیستها در آمده بود مسافرت کرد و ظاهرا "بعنوان مترجم در کنسولگری شوروی بکار پرداخت . در آنجا بود که او نخستین کادرهای جنبش ملی ویتنام را سربازگیری کرد و آنها را در سازمانی بنام "انجمن جوانان انقلابی ویتنام" (۲) که به "تهانه نین" موسوم شد ، تشکیلات داد . تقریبا "تمام اعضای این سازمان بخاطر عقاید سیاسی شان از هند و چین تبعید و برای شرکت در مبارزه علیه سلطه فرانسه برکشورشان ، گردهم جمع شده بودند .

باین ترتیب کانتون بصورت نخستین مرکز ناسیونالیسم هندوچین درآمد . یکی از اقدامات موثر "تهانه نین" این بود که ناسیونالیستهای جوان هندوچین را که به کانتون می آمدند به مبارزه تشویق می کرد و با کمک مربیان روسی آنان را در "مدرسه نظامی وامپوا" تحت آموزشی سیاسی و نظامی قرار می داد . در سال ۱۹۲۶ هوشی مین مقاله‌ای نوشت بنام "راه انقلاب" که در آن تحلیل مارکسیست-لنینیستی از استقلال ویتنام بدست داد . در این زمینه او بر سه نکته اساسی تاکید ورزید . قسمتی از مقاله مذکور در ذیل نقل میشود :

"۱- انقلاب وظیفه توده‌های وسیع کارگر و دهقان است نه یک مشت از مردم - باین ترتیب سازمان دادن توده‌ها از ضرورت‌های اساسی است ."

"۲- انقلاب بایستی بوسیله یک حزب مارکسیست-لنینیست رهبری شود ."

[-LY THUY 2 -VIETNAM THANH NIEN CACH MANJ-
DONG CHI HOI (ASSOCIATION OF YOUNG
VIETNAMESE REVOLUTIONARY)

"۳- در هر کشور جنبش انقلابی بایستی در تماس نزدیک با انترناسیونال پرولتری باشد. بایستی اقداماتی انجام شود که توده‌های کارگر و زحمتکش بتوانند بین انترناسیونال سوم و انترناسیونال دوم تمایز قائل شوند."

در این مقاله هوشی مین درباره نقش انقلابی طبقات مختلف چنین نوشت:

"شخص، انقلابی می‌شود زیرا تحت ستم است. هر چه شخص بیشتر تحت ستم باشد، قاطعانه‌تر برای تحقق انقلاب تصمیم می‌گیرد. بورژوازی علیه فتودالیسم که آنرا تحت ستم قرار می‌داد بپا خاست. امروز همان بورژوازی طبقه کارگر و دهقان را تحت فشار و ستم قرار میدهد و به این ترتیب است که طبقات اخیر بصورت نیروهای محرک انقلاب در می‌آیند."

"کارگران و دهقانان موثرترین نیروها را در جامعه تشکیل میدهند. زیرا آنان ستم‌دیده‌ترین و از لحاظ کمی بیشترین مردمند. آنها با محروم بودن از مالکیت هیچ چیز ندارند که از دست بدهند بجز زنجیرهایشان، و همه چیز دارند که بدست بیاورند. بنابراین آنها پایدارترین نیروها و تشکیل دهندگان اصلی انقلابند."

"دانشجویان، کاسب‌کاران، و کارفرمایان کوچک هم به وسیله سرمایه داری سرکوب میشوند، ولی بمراتب کمتر از کارگران و دهقانان. آنها فقط نیروی متحد کارگران و دهقانان را در انقلاب تشکیل میدهند."

وقتیکه در آوریل سال ۱۹۲۷، جان کای چک فرمانده وقت ارتش چین از کمونیستها برید و آنها را از کانتون راند، هوشی مین پس از مدتی مبارزه مخفی

ناچار شد دوباره به اتحاد شوروی مسافرت کند. در مسکو پس از یک سلسله مذاکرات با رهبران کمونیستی به بروکسل مسافرت کرد و در آنجا با خانم سون یات سن، آقای نهرو و هاتا (دوست و همکار سوکار نو در جنبش ملی اندونزی) ملاقات کرد و در "کنگره علیه جنگ امپریالیستی" شرکت نمود.

سپس بدنبال دیدار کوتاهی از فرانسه در سال ۱۹۲۸ مدت کوتاهی نیز در سویس و ایتالیا توقف کرد. پائیز بعد او به سیام (تایلند فعلی) رفت و در آنجا بمدت دو سال بعنوان نماینده بخش آسیای جنوب شرقی بین الملل کمونیستی رحل اقامت افکند.

فعالیت‌های انقلابی هوشی مین در سیام، در این دوره از زندگی پر بارش پیرامون محورهای ذیل گردش می‌کرد: تاسیس واحدهای حزبی در بین ساکنین ویتنامی سیام، تجدید سازمان شبکه کمینترن در آسیای جنوب شرقی و سامان بخشیدن به نحوه اداره نواحی مجاور هند و چین.

تأسیس حزب کمونیست هند و چین

از سال ۱۹۲۸ شرایط موجود، تاسیس حزب کمونیست را بیش از پیش بصورت یک ضرورت در آورد بود. در این زمان یک سلسله اعتصابات سراسری کارگری، عمق نارضایتی و شدت استثمار کارگران صنعتی را آشکار نموده بود. این اعتصابات همچنین قابلیت کارگران را برای سازمان دهی در جریان اعتصابات آشکار کرد. تشکیل حزب، کارچندان ساده‌ای هم نبود. رهبران سازمانهای موجود یا مرده بودند یا علاقمای از خود نشان نمی‌دادند. رقابت و گروه‌گرایی نیز شدیداً در بین آنها رواج داشت. در این زمان هوشی مین در سیام بود. رفقای او از اول تا نهم ماه مه ۱۹۲۹ طی کنگره تهاننن در هنگ کنگ ضرورت فوری تاسیس حزب کمونیست را یادآور شدند. لیکن بسیاری از هیئت‌های نمایندگی حاضر در کنگره

این اقدام را زودرس توصیف کردند . سه هیئت از چهار هیئت نمایندگی تونکین (۱) جلسه مذاکرات را ترک کردند و به ویتنام بازگشتند . در پایان جلسات ، کنگره تاسیس یک سازمان مارکسیست - لنینیستی را اعلام کرد و نامه‌ای را به کمینترن فرستاد و خواستار تصویب آن گردید . این سازمان بعلت اختلافات و تشقت‌های موجود نتوانست موفقیت چندانی بدست بیاورد . هیئت‌های نمایندگی تونکین که به هانوی برگشته بودند نیز اولین سلول حزبی را پی ریزی کردند . این سلول که از هفت عضو تشکیل شده بود در هفدهم ژوئن سال ۱۹۲۹ تولد حزب کمونیست هندوچین را اعلام نمود . حوزه فعالیت این حزب ، تونکین و شمال آنام بود . هیئت‌های نمایندگی تها نه‌نین از کوچین چین و جنوب آنام نیز در اکتبر سال ۱۹۲۹ حزب کمونیست آنام را تشکیل دادند . در همین زمان سازمان کمونیستی سومی نیز بنام " جامعه کمونیستی هندوچین " تشکیل شد . در تابستان سال مذکور رفقای هوشی مین او را در سیام ملاقات کردند . آنها تشخیص داده بودند که هوشی مین تنها کسی است که میتواند جریانهای مختلف فوق را متحد کند زیرا او از مدت‌ها قبل در سیاست خاور دور چهره برجستهای محسوب میشد و با سازمان ها و احزاب بسیاری از جمله سازمانهای ذیل در ارتباط بود :

۱- دفتر خاور دور در شانگهای که در واقع سازمان هماهنگ کنند و نظارت کننده کمینترن محسوب میشود .

۲- دبیرخانه اتحادیه پان پاسیفیک (۲) که در ارتباط با دفتر فوق‌الذکر بود .

۳- سازمانهای کمونیستی در اندونزی و مالزی و سیام که هوشی مین بعنوان رئیس دفتر آسیای جنوب خاوری بر آنها نظارت داشت (بین مارس ۱۹۳۰ و ژوئن ۱۹۳۱) .

1 - TONKIN

2 - PAN PACIFIC UNION

۴- حزب کمونیست فرانسه .

۵- " جامعه ضد امپریالیستی " (۱) که در سال ۱۹۲۵ تاسیس شده بود و هوشی مین در بخش خاور دور آن فعالیت داشت . رفقای هوشی مین در سیام از او خواستند که به هنگ کنگ بر گردد و حزب را نجات داده و اوضاع را روبراه سازد .

عاقبت الامر هوشی مین در ژانویه سال ۱۹۳۰ به هنگ کنگ برگشت . بلافاصله نمایندگان از دو سازمان کمونیستی که از " تانه نین " انشعب کرده بودند دور هم جمع کرده برنامه جدیدی را تنظیم نمود و گروههای منشعب را بایکدیگر متحد کرد (سوم فوریه سال ۱۹۳۰) .

از این زمان به بعد اعضای حزب که در خارج اقامت داشتند برخلاف سابق نقش سرپرستی خود را از دست دادند و فقط بعنوان رابط و نمایندگان تحت فرمان حزب عمل کردند . اکنون حزب در خاک هندوچین مستقر شده بود ، تماس مستقیم با توده ها داشت و با توجه به شرایط عینی جامعه عمل می کرد . ابتدا تا اکتبر ۱۹۳۰ حزب ، نام حزب کمونیست ویتنام را داشت . لیکن در این زمان هوشی مین نمایندگان حزب را در هنگ کنگ دعوت کرد و نام حزب را به حزب کمونیست هندوچین تغییر داد . طی سالیان بعد این حزب به حزب کمونیست ویتنام و سپس حزب کارگر ویتنام (۲) تغییر نام داد .

در مراحل اولیه تشکیل حزب ، هوشی مین بیشتر بعنوان میانجی بین گروههای مختلف حزبی عمل میکرد تا یک فرد مبتکر . این عمل مسلما " در آن زمان بخاطر استحکام سازمان عمل انقلابی ضرورت حیاتی داشت ، آنچه در این دوره از فعالیت های هوشی مین بر جسته مینماید ، دانائی ، زیرکی و آگاهی عمیق وی از امکانات عملی انقلاب است و توجه وی به جنبش بین المللی کمونیستی و مبارزه با

1-ANTI-IMPERIALIST LEAGUE

2-VIETNAMESE WORKERS' PARTY

- هرتفرقه گرائی که مبادا موجب منزوی کردن جنبش ، بخصوص از متحد نیرو -
مندش اتحاد شوروی ، شود .
- در ۱۸ فوریه سال ۱۹۳۰ هوشی مین بیانیهای را منتشر ساخت که هدفهای
حزب را در ده اصل ذیل خلاصه میکرد :
- ۱- واژگونی امپریالیسم فرانسه ، و از بین بردن فئودالیزم و طبقه سرمایه -
دار ارتجاعی ویتنام
 - ۲- تحقق کامل استقلال هندوچین
 - ۳- استقرار حکومتی مرکب از کارگران ، دهقانان و سربازان
 - ۴- مصادره بانکها و دیگر مؤسسات متعلق به امپریالیستها و قرار دادن آنها
تحت کنترل دولت
 - ۵- مصادره کلیه مزارع و اموال متعلق به امپریالیستها و طبقه سرمایه دار
ارتجاعی ویتنام و توزیع آنها بین دهقانان فقیر
 - ۶- برقراری هشت ساعت کار روزانه
 - ۷- الغاء بدهیهای مردم و مالیات سرانه و سایر مالیاتهای غیر عادلانه که
به تودههای فقیر لطمه وارد می آورد
 - ۸- بازگرداندن تمام انواع آزادی به تودهها
 - ۹- انجام آموزش همگانی
 - ۱۰- انجام برابری بین مردوزن
- در این زمان تضاد عمده بیرون راندن استعمارگران فرانسوی بود . چنان
که خود هوشی مین موضوع را چنین تفسیر کرد : "شرایط موجود گنجانییدن
عبارات قاطع درباره پرولتاریا را ایجاب نمیکند . وظیفه فوری ما واژگون کردن و
از بین بردن نظام استعماری فرانسه و آزاد سازی ملت است ، بخاطر این موضوع
بایستی حس وطن پرستی را در فرد فرد افراد برانگیزانیم " .
- سال ۱۹۳۰ تنها سال تاسیس حزب کمونیست هندوچین نبود بلکه همچنین

سالی بود که شدیدترین و خشنونت بارترین قیامهای ملی ویتنام بوقوع پیوست . این قیامها که جنبه دهقانی داشت ، از طرف کمونیستها پشتیبانی میشد . این قیامها بشدت و بادد منشی هرچه تمامتر از طرف فرانسویها سرکوب و هو از طرف فرانسویها در غیاب بهمرگ محکوم شد . در این زمان هوشی مین باتهام فعالیتهای خرابکارانه در هنگ کنگ زندانی مقامات بریتانیایی بود . مقامات فرانسوی استراد او را از مقامات انگلیسی خواستار شدند ولی هو بحث کرد که وی یک پناهنده سیاسی است و قانونا " قابل استرداد نیست .

موضوع به " شورای حقوقدانان لندن " (۱) احاطه شد . رئیس شورا گریپس (۲)

به نفع هو رای داد و هوشی مین در زندان مقامات بریتانیایی باقی ماند . بعدها هوشی مین از زندان انگلیسها آزاد شد . دوستان او نقشه فرارش را ترتیب دادند و هوشی مین باقیافه مبدل بعنوان یک تاجر رهسپار چین گردید و از طریق شانگهای به شوروی فرار کرد . در سال ۱۹۳۵ هو برای شرکت در کنگره هفتم بین الملل به مسکورفت و مدتی تحت نام "لی وف" در انستیتولنین تحصیل کرد و هم زمان با آن در دانشکده علوم آسیائی راجع به تاریخ ویتنام سخنرانی میکرد .

در سال ۱۹۳۵ کنگره هفتم انترناسیونال در مسکو تشکیل جلسه داد . در این کنگره هوشی مین بعنوان رئیس هیئت نمایندگی حزب کمونیست هند و چین شرکت کرد . کنگره هفتم انترناسیونال ایده جبهه خلق (اتحاد کمونیستها با نیرو های چپ غیر کمونیست علیه فاشیسم) را مورد تصویب قرار داد . هوشی مین برای مدتی از این سیاست پشتیبانی نمود . با توجه به سیاست جدید ضد فاشیستی بین الملل کمونیستی ، در سال ۱۹۳۶ کمونیستهای هند و چین موضع سرسختانه و آشتی ناپذیرانه و ضد استعماری خود را تعدیل و بقول خود " با استعمار گران ضد

1-THE PRIVY COUNCIL IN LONDON

2-SIR STAFFORD GRIPPS

فاشیست "همکاریهایی را آغاز کردند . در همین سال تشکیل دولت جبهه خلق در فرانسه به نخست وزیری لئون بلوم (۱) به نیروهای چپ هندوچین اجازه داد که با آزادی عمل بیشتری فعالیت نمایند . با وجود این هو ، بعلت محکومیتش در سال ۱۹۳۰ هنوز هم از طرف مقامات فرانسوی اجازه بازگشت از تبعید را نداشت . در سال ۱۹۳۷ با سقوط حکومت بلوم سرکوبی و فشار دوباره به هندوچین بازگشت . در سال ۱۹۳۸ جبهه خلق دیگر یک موضوع مرده بود .

جنگ جهانی دوم و تشکیل دولت ویتنام

در سال ۱۹۳۸ هوبه چین بازگشت و برای مدت چند ماه با مائوتسه تنگ در ینان (۲) اقامت گزید

در فوریه سال ۱۹۴۰ هوشی مین در جنوب چین با برخی از اعضای ارشد حزب کمونیست هند و چین که از فشار فرانسوی ها به چین گریخته بودند ملاقات کرد . در بین این افراد دو نفر بودند که بعد ها بصورت رزمنده ترین و قابل ترین رفقای او درآمدند . این دونفر عبارت بودند از " فام وان دونگ " (۳) پسر فرماندار گوانگ نگای (۴) که در سن بیست سالگی بعنوان یک انقلابی شناخته میشد . او و "ونگوین جیپ" معلم سابق تاریخ که قبل از آنکه استعداد خود را بعنوان یک استراتژیست به منصف ظهور رساند بعنوان یک مبارز سرمشق جوانان بود . در این سال در استانهای ینان و گوانگ سی هوشی مین تیم عملیاتی خود را تشکل داد و یک استراتژی را تنظیم نمود که بعدها رهنمود جریان انقلاب ویتنام گردید .

در این زمان هوشی مین نام "تران" را روی خود گذاشت و زندگی به ظاهر

1-LEON BLUM

3-PHAM VAN DONG

2-YEN-AN

4-QUANJ NGAI

عادی را شروع کرد. او هیئت یک دهقان محلی پیر را داشت که بسیار آرام بنظر میرسید. هیچ چیزی وجود نداشت که کنجکاو را در مورد او برانگیزاند جز برق زندگی که در چشمانش میدرخشید. در این زمان او یک دوره عملی را در فلسفه سیاسی شروع کرده بود. مفسرینی که او را در این دوران زندگیش ملاقات نموده اند از او بعنوان یک قدیس غیر مذهبی یاد کرده اند: مردی که همیزم می-شکست، سلمانی را که به دکان او رفت و آمد داشت از کتک زدن به زنش باز میداشت، بچه کوچکی را غذا میداد و خلاصه طوری عمل میکرد که گفتار معروف خودش ("اخلاق انقلابی رفیق!") در باره اش صدق میکرد.

برخی نویسندگان غربی برآنند که در این زمان او نقشی را ایفا میکرد که نیمی نقش بودا بود و نیمی نقش لنین در فنلاند. مقارن همین احوال است که او شروع به بکار بردن نام هوشی مین که از لحاظ ادبی معنای "هوی روشنی طلب" را میدهد، میکند.

شکست فرانسه از آلمان در سال ۱۹۴۰، فرصتی طلایی برای هوشی مین و یارانش نگوین جیپ و فام وان دونگ بوجود آورده بود که از سیر وقایع برای طرد استعمار و رهایی مردم هندوچین استفاده کنند. باین منظور در ژانویه سال ۱۹۴۱ سه یار فوق الذکر همراه با ۵ رفیق دیگر از مرز ویتنام گذشتند و در ماه مه "اتحاد برای استقلال ویتنام (۱) یا "ویت مینه" (۲) را سازمان دادند. در این زمان ژاپنی ها جانشین فرانسویها شده و ویتنام را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند. ویت مینه که با تمام قوا علیه اشغال ژاپن می جنگید، مجبور بود با ناسیونالیست های چین - برهبری کومین تانگ - که آنها نیز در کشور خودشان درگیر مبارزه با ژاپن بودند همکاریهای را آغاز کند. باین منظور هوشی

1-VIETNAM DOC LAP DONG MINH HOI
(LEAGUE FOR THE INDEPENDENCE OF VIETNAM)

2-VIET MINH

مین در سال ۱۹۴۲ برای ماموریتی رهسپار چین شد. لیکن چان‌گای چک که علیرغم ژست‌های دوستانه به هو به عنوان یک رهبر کمونیستی بچشم دشمنی مینگریست، دستور دستگیری او را صادر نمود. هوشی مین بمدت ۱۸ ماه در زندان ماند. در طول این مدت او "یادداشتهای زندان" را نوشت که همان طوری که در قسمت دوم این کتاب ملاحظه میشود مجموعه‌ای است از اشعار کوتاه و ساده که گویا در اصل بصورت رباعی سروده شده و مشحون است از آمال و آرزو ها و درعین حال تراژدی های انسانی. مجموعه مذکور در عین حال توصیفی است از تلخی‌های دوران زندان، روابط زندانیان با یکدیگر و بانگهبانان، وصف زیباییهای طبیعت، ستایش از سرزمین پدری، امید به بشر و آینده بشری و تکریم آزادی. این اشعار درعین حال ندائی است برای انقلاب و آزادگی. مواردی هست که خواننده در خلال مطالعه این اشعار صدای جنگ جنگ دستبندها، زنجیرها و لولاها را می شنود. از آنجا که ماموران زندان هوشی مین بازبانهای بیگانه آشنائی نداشتند و به هر نوشته‌ای که بازبانی غیر از چینی نوشته میشد، بادیده بدگمانی می‌نگریستند، هوشی مین اشعار زندان خود را، برای آنکه از خطر پاره شدن مصون بماند، بزبان تنگ (۱) - زبان کلاسیک چینی نوشت.

پس از آزادی از زندان هوشی مین فعالیت‌های انقلابی خود را از سرگرفت. ورود اتحاد شوروی در جنگ علیه ژاپن تاثیر بی اندازه مهمی را در جنگ آزادی بخش خلق ویتنام بجای گذاشت. در سال ۱۹۴۵ دو موضوع اتفاق افتاد که راه را برای انقلابیون ویتنام هموار کرد تا قدرت سیاسی را در دست بگیرند. نخست آنکه ژاپنی‌ها که کاملاً "هندوچین را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند، تمام ماموران فرانسوی را یا زندانی و یا اعدام کرده بودند. دوم بمباران اتمی هیرو-شما بود بوسیله ایالات متحده که بدنبال آن ژاپنی‌ها کلا شکست خوردند.

به این ترتیب دو دشمن نیرومند مردم ویتنام تارومار شدند .
هوشی مین این فرصت را مغتنم شمرد و ظرف چندماه با نیروهای آمریکائی
تماس گرفت و علیه ژاپنی ها شروع کرد به همکاری با سازمان آمریکائی
(دفتر خدمات استراتژیکی) (۱) که در واقع پوششی بود برای عملیات آمریکا
در منطقه . در این زمان چریکهای ویت مینه ، که عمدتا " از کارگران و دهقانان
ویتنام تشکیل شده بودند ، تحت رهبری عالی هوشی مین و فرماندهی ژنرال
جیپ در کوهستانهای جنوب چین علیه دشمن می جنگیدند . در این جنگ
اعضای خرده بورژوازی نیز علیه اشغال کشورشان نبرد می کردند . حزب کمونیست
پیشاهنگ مبارزه بود و کمیته های خلق در مناطق آزاد شده بعنوان نمایندگان
حکومت آینده فعالیت می کردند . مقارن این احوال ژنرال جیپ ، تحت راهنمائی
های هوشی مین ، گروههای کوماندوئی خود را متشکل کرد و در بهار سال ۱۹۴۵ آنها
را برای پیشروی بسوی هانوی پایتخت ویتنام بسیج کرد . در اوت سال ۱۹۴۵
قیامی سرتاسر ویتنام را فرا گرفت و به سلطه ژاپنی ها و عروسک خیمه شب بازی
آنان خاتمه داد . نیروهای جیپ در ۱۹ اوت وارد هانوی شدند . در دوم سپتامبر
جمهوری دموکراتیک ویتنام اعلام ، هوشی مین بعنوان رئیس جمهوری انتخاب و
قدرت بوسیله کمیته های خلق قبضه شد . در این روز تاریخی هوشی مین در برابر
جمعیت انبوهی از مردم که در " میدان بادینه " (۲) گرد آمده بودند استقلال
ویتنام را اعلام کرد و بطور ریشخند آمیزی همان کلماتی را بکار برد که یادآورنده
اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا است :

" تمام انسانها برابر متولد میشوند . آفریدگار بما حقوق
تخطی ناپذیر ، زندگی ، آزادی و شادمانی را ارزانی داشته
است ! "

1-OFFICE OF STRATEJIC SERVICES.

2-BA DINH SQUARE.

لیکن آسودگی خلق هندوچین از بلای جنگ تحمیل شده استعماری مدت زیادی ادامه نیافت. در اواخر سال ۱۹۴۵ قوای بریتانیا در جنوب ویتنام ظاهر شدند. نیروهای چان کای چک نیز بر اساس توافق که بین متفقین بعمل آمده بود در شمال مدار ۱۶ درجه جانشین ژاپنی ها شدند. از اینها بدتر فرانسه بود که اکنون از یوغ فاشیسم آزاد شده بود و تحت رهبری شارل دوگل حاضر نبود بسادگی عمل انجام شده استقلال ویتنام را بپذیرد. فرانسه که کوشش می کرد کنترل مجدد خود را بر ویتنام اعمال کند، در ۶ اکتبر به ژنرال لکلرک (۱) دستور داد در سایگون نیرو پیاده کند. چند روز بعد نیروهای لکلرک با واحد های نیرو مند زرهی پشتیبانی شدند. هوشی مین چاره های نداشت جز آنکه بین ادامه جنگ و مذاکره یکی را انتخاب کند. او را مذاکره را برگزید. لیکن آمادگی برای نبرد نهائی را نیز از یاد نبرد.

استراتژی هوشی مین این بود که ابتدا فرانسویان را برای بیرون راندن چینی ها از شمال ویتنام مورد استفاده قرار دهد و سپس طی قرار دادی با فرانسه، این کشور را متحد سازد که ویتنام را تخلیه نموده و استقلال او را تجدید داد این کشور را به رسمیت بشناسد. در اواخر اکتبر سال ۱۹۴۵ مذاکرات آغاز شد ولی فرانسوی ها به بهانه آنکه ویت مینه نمایندگی تمام خلق های ویتنام را ندارد از مذاکره سر باز زدند. هوشی مین برای شکست بن بست مذاکرات و جلب حمایت طبقات و قشرهای وسیع - تر مردم برای رویا روئی با فرانسه، شرکت گروه های دیگری غیر از ویت مینه را در دولت جدید اجازه داد. باین ترتیب بود که در ماه مارس ۱۹۴۶ مذاکرات از سر گرفته شد و فرانسه یک هیئت دیپلماتیک را به چین فرستاد تا امر تخلیه ویتنام را از سربازان چینی عملی سازد. این عمل انجام پذیرفت و متعاقب آن حتی برخی از قوای لکلرک ازها یفونگ واقع در شمال ویتنام فرآ خوانده شدند.

هوشی مین با عملی ساختن تخلیه ویتنام از چینی ها در ششم ماه مارس
قراردادی را با فرانسه امضاء کرد که بر مبنای آن ، فرانسه ویتنام را بعنوان یک
"کشور آزاد با حکومت ، ارتش و مالیه مخصوص بخود" برسمیت شناخت و قول یک
همه پرسی را در جنوب در مورد مساله ویتنام متحد را داد . با وجود این ویتنام
جزو "اتحادیه فرانسوی" (۱) باقی ماند . این اتحاد بازاری مشترکی بود از فرانسه
و سرزمین های تحت سلطه اش که در آن پاریس ضمن ایفای نقش اصلی به غارت منابع
ممالک اعضا اتحادیه ادامه می داد . دوازده روز بعد از امضای قرار داد فوق بود
که لکلرک با چند گروهان سرباز وارد هانوی شد و قرار شد حوزه فعالیت خود را
به منطقه بسیار کوچکی محدود نماید .

از آنجا که قرارداد فوق الذکر استقلال کامل هندوچین را تامین نمی کرد
هوشی مین از ژوئن تا سپتامبر ۱۹۴۶ برای شرکت در یک سلسله کنفرانس های
مختلف به فرانسه رفت و دومین موافقتنامه را با دولت فرانسه امضاء نمود . اوضاع
ظاهرا "می رفت که سروسامانی پذیرد . ولی فرانسه که حرض و آزش سیری ناپذیر
بود و در پی آن بود که زیانهای مادی و انسانی ناشی از جنگ را با تشدید سلطه
غارتگرانه خود بر مستعمرات جبران کند ، بدنبال بهانه های می گشت که قرار داد
صلح را برهم زند . در فاصله بیستم تا بیست و سوم نوامبر ۱۹۴۶ حادثه ای اتفاق
افتاد که صلح ناپایدار بین فرانسه و ویتنام را در هم شکست . جریان واقعه از این
قرار بود که در شهر های فونگ بین عده ای از سربازان فرانسوی و ویتنامی برخوردی
روی داد . بدنبال این برخورد یک رزمنده فرانسوی بروی مردم این شهر آتش
گشود . در جریان این واقعه قریب ۶۰۰۰ ویتنامی کشته شدند و هر گونه امید برای
حل و فصل صلح آمیز مناقشه بر باد رفت . با این آغاز بود که فرانسه در ۱۹ دسامبر
تهاجم خود را در جبهه وسیعی علیه خلق ویتنام آغاز کرد و بقول طبقه کارگر
فرانسه در یک " جنگ کثیف " علیه مردم ویتنام در گیر شد .

نخستین جنگ هند و چین

بعد از چند ماه هوشی مین که در منطقه دور افتاده‌های از ویتنام شمالی بطور مخفی زندگی میکرد ، کوشش نمود که تماس خود را با پاریس مجدداً برقرار نماید ، لیکن شرایطی که بوی پیشنهادها شد کلاً " قابل قبول نبود . در سال ۱۹۴۸ فرانسوی ها " بائودای " (۱) امپراطور سابق آنام (ویتنام فعلی) را که در اوت ۱۹۴۵ به نفع انقلاب استعفا داده بود به ویتنام باز گردانیدند . با این عمل فرانسوی ها کوشش کردند که ضمن حمایت از طبقه حاکمه سنتی ویتنام ، ویت‌مین را تضعیف کنند . لیکن ارتش ویت‌مین تحت فرماندهی جی‌آپ ، ضمن بکار بردن تاکتیک‌های جنگ چریکی با نیروهای فرانسوی با مسلسل و مسلسل سبک ، بمب و توپخانه مزارع و جنگل‌های ویتنام را در نور دیدند ، بر شهرها و روستاهای بی دفاع بمب ناپالم ریختند ، ساکنین غیرنظامی آنها را کشتند ، محصولات کشاورزی را خراب کردند و گله‌ها را قتل عام نمودند . ولی همه اینها بی‌فایده بود .

خلق ویتنام تحت راهنمایی های حزب کارگر برهبری هوشی مین و با پشتیبانی مردم صلح دوست سراسر جهان ، شکست پشت شکست بود که بر متجاوزین فرانسوی وارد می‌کرد . در طول جنگ کوشش ویتنام بر روی تصرف و کنترل روستاها متمرکز بود . در حالیکه فرانسه شهرهای کوچک و بزرگ را در اختیار داشت . در اواخر سال ۱۹۵۳ بسیاری از روستاهای ویتنام زیر کنترل ویت‌مین در آمده بود و شهرهای بزرگتر نیز عملاً " تحت شرایط محاصره نیرو- های ویت‌مین قرار داشتند .

" دین‌بین‌فو " آخرین دژی که در شمال برای متجاوزین باقی مانده بود ، در هفتم ماه مه سال ۱۹۵۴ سقوط کرد و فرانسوی ها چاره‌ای ندیدند جز آنکه

تن به مذاکره دهند .

مواقفنامه ژنو و مین جنگ هند و چین

از مه تا ۲۱ ژوئن سال ۱۹۵۴ نمایندگان هفت کشور فرانسه ، آمریکا ، انگلستان ، شوروی ، جمهوری خلق چین ، لائوس و کامبوج بعلاوه ویتنام که دارای دو هیئت نمایندگی بود که یکی از حامیان هوشی مین و دیگری از طرفداران باثوادی تشکیل می شد - در ژنو گرد هم آمدند و کوشیدند در مورد جنگ هند و چین یکراه حل مسالمت آمیز بیابند . در این کنفرانس موافقتنامه‌ای امضاء شد که بر اساس آن سرزمین ویتنام تا انجام انتخابات آزاد در مدار ۱۷ درجه به ویتنام شمالی و جنوبی تقسیم میشد . هیچیک از طرفین حق اتحاد با کشور ثالث یا وارد کردن اسلحه را نداشتند ، انتخابات آزاد می بایستی در سال ۱۹۵۶ انجام و بدنبال آن اتحاد ویتنام تحقق یابد .

مشکل است که بتوان نقش هوشی مین را در مذاکرات ژنو ارزیابی کرد . در این کنفرانس پام وان دونگ (۱) یکی از یاران وفادار وی به نمایندگی از طرف هوشرکت داشت . با توجه به پیروزی دین بین فو ، اعتدال ویت مینه در قبول تقسیم کشور و پذیرفتن کنترل بر مناطقی کمتر از آنچه که در طول جنگ تصرف کرده بودند ، شگفتی آور است . برخی معتقدند که این نرمش معلول فشارهای اعمال شده بوسیله شوروی ها و چینی ها ، بود و بعضی بر آنند که با این انعطاف ، هوشی مین میخواست حل و فصل صلح آمیز مسئله را تسریع کرده و هرگونه بهانف جوئی را سد کند .

قرار داد ژنو هیچ چیز برای ویت مینه به ارمغان نیاورد . هانوی بازی را باخت . ایالات متحده که در جریان درگیری فرانسه در هند و چین ۸۰% هزینه

های جنگی فرانسه را می پرداخت اکنون در جنوب جانشین فرانسویان شده بود .
چندی بعد ایالات متحده با ثوادی را برکنار و حکومت فاسد و پویشالی نگودین دیم
را بجای آن نشاند .

اکنون رژیم بورژوا - ملاک ها در ویتنام جنوبی برقرار شده بود ، رژیمی
ارتجاعی و تروریستی که فقط بکمک دلارها و سر نیزه های آمریکائی حفظ میشد .
این رژیم پویشالی تحت حمایت آمریکائیان ، انتخاباتی را که قرار بود وحدت
ویتنام را تضمین کند ، بمدت نامحدودی به تعویق افکند . هوشی مین از ۱۹۵۵
تا ۱۹۶۰ بارها از دولت دیم خواست که برای حل و فصل مسائل موجود دورمیز
کنفرانس بنشیند . ولی این تقاضا همواره نادیده گرفته میشد .

در این زمان ویتنام شمالی چه در شهروچه در روستا بوسیله کارگران و مردم
زحمتکش این کشور اداره میشد و ساختمان سوسیالیسم با موفقیت در حال پی ریزی
بود .

لیکن انجام این مهم با مشکلات خاص خود نیز روبرو بود . از جمله این
مشکلات این بود که که ویتنام کشوری بود فقیر که ارتباط آن با زمینهای وسیع
کشاورزی جنوب قطع شده بود و رهبران آن ناگزیر از دریافت کمک از متحدین
نیرومند تر خود - اتحاد شوروی و چین بودند . در شرایط بحرانی و سخت سال
های ۵۶ - ۱۹۵۵ هوشی مین برنامه اصلاحات ارضی را پیاده کرد . این برنامه
با مخالفت عناصر فئودال و راستگرا روبرو شد و بناچار بدنبال خود فشار و سرکوبی
هائی را بهمراه داشت با وجود این عمو هو (لقبی که ویتنامی ها به او داده
بودند) توانست محبوبیت وسیع خود را حفظ کند و برنامه را با موفقیت به انجام
رساند .

در سال ۱۹۵۵ هوشی مین به بتکاری دست زد که او را از بسیاری از رهبران
جهان - حتی رهبران سوسیالیستی - متمایز میسازد . او پست نخست وزیری را
رها کرد و نوعی رهبری دسته جمعی را در ویتنام برقرار نمود که تا امروز نیز

ادامه دارد .

رهبر پیر در صحنه دیپلماسی از اقبال بهتری برخوردار بود . در سال ۱۹۵۵ به مسکو و پکن و در سال ۱۹۵۸ به دهلی نوجا کارتا مسافرت کرد و با ظرافت و مهارت بین متحدین نیرومند کمونیست خود تعادلی را برقرار ساخت و حتی در سال ۱۹۶۰ هنگام مسافرت به مسکو نقش میانجی بین شوروی و پکن را ایفا نمود . او از لحاظ سنتی و با توجه به رشد نیروهای مولده سوسیالیستی در شوروی برای اتحاد با این کشور اولویت قائل بود ، لیکن در عین حال از نقش اساسی چین در انقلابات آسیا نیز غافل نبود .

او رسالت خود را نجات خلق ویتنام و احقاق حقوق آنان می دانست و برای این امر تقدم قائل بود ، ماهرانه تعادلی بین دو کشور نیرومند و رقیب سوسیالیستی برقرار ساخت ، بطوریکه زمانیکه جنگ از سر گرفته شد از هر دو طرف به مقدار مساوی کمک دریافت می کرد .

کمک به ویت کنگ

در حدود اوایل سال ۱۹۵۹ ویتنام شمالی دوباره در جنگ درگیر شد . چریکهای ویت نام جنوبی که بین مردم به ویت کنگ موسوم شدند ، در جنوب قیام مسلحانه‌ای را علیه رژیم پوئالی " نکودین دیم " (۱) آغاز کردند . رهبران این قیام که از سربازان کهنه کار ویت مینه تشکیل میشدند ، دست کمک بسوی ویتنام شمالی دراز کردند . در ژوئیه سال ۱۹۵۹ در جلسه کمیته مرکزی حزب لائو دونگ (۲) (حزب کارگرویتنام) تصریح شد که استقرار سوسیالیسم در شمال منوط و مربوط است به اتحاد با جنوب .

این سیاست مورد تأیید سومین کنگره لائو دونگ که کمی بعد از آن در هانوی

1-NGO DINH DIEM

2-LAO DONG

تشکیل شد نیز قرار گرفت. در طی جلسات این کنگره هوشی مین مقام خود را به عنوان دبیرکل حزب به "له دوان" (۱) واگذار کرد و فقط بعنوان رئیس جمهوری دولت ویتنام باقی ماند. از این زمان ببعد فعالیتهای او کلاً " بصورت زیر زمینی انجام شده است. مسلماً " هوشی مین از نفوذ و احترام فوق العادمای در بین کادر رهبری خلق ویتنام که از پیروان کهنه کار وی مانند " فام وان دونگ"، "ترونگ چینه" (۲)، "نگوین جیاپ وله دوان تشکیل شده بود، برخوردار بوده است. ولی درگیری فعال او کمتر بود و بیش از پیش بصورت سمبلی برای مردم درآمد. شخصیت عمومی او هرگز بصورت موضوعی برای کیش شخصیت پرستی که با استالین، تیتو و حتی مائو قابل مقایسه باشد در نیامد. این جنبه از شخصیت او با نامی که خلق ویتنام به او داده و نماینده محبوبیت او بین مردم بود، یعنی عموهو، مشخص میشود. او همواره بخاطر اتحاد واقعی خانواده‌های از هم جدا شده ویتنامی مبارزه کرد.

نقش فوق‌را که هوشی مین با تمام وجود ایفا مینمود، مانع از این نشد که او در جنگ وحشیانه و خانمانسوزی که کشورش را فرا گرفته بود نقش حساسی را بازی کند. در سال ۱۹۶۵ در عرض مدت ۱۰ ماه، ویتنام شمالی ۲۰۰۰۰ بار یعنی روزانه بیش از ۶۵ دفعه مورد حمله هوایی ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۶۶ هوشی مین پیامی را برای مردم فرستاد که بزودی بصورت شعار جنگی رزمندگان خلق ویتنام درآمد: " در قلب ویتنامی هیچ چیز عزیزتر از استقلال و آزادی نیست". در ۱۵ فوریه سال ۱۹۶۷ در پاسخ پیام شخص‌لیندون جانسون رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا چنین اعلام داشت: " ما هرگز با مذاکره در زیر تهدید بمباران‌های هوایی موافقت نخواهیم کرد".

-
- 1.-LE DUAN
 - 2.-TRUONG CHINH

درگذشت هوشی مین

انقلاب خلق ویتنام در سال ۱۹۷۲ با شکست قاطع ایالات متحده و واژگون شدن عروسک خیمه شب بازی آن پیروز شد. این پیروزی براستی نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزات تمام خلق‌های تحت ستم. متاسفانه هوشی مین در سوم سپتامبر سال ۱۹۶۹ رخت از جهان بر بست و آنقدر زنده نماند که پیروزی انقلاب ویتنام را به بیند. لیکن ایمان وی به پیروزی توده‌های تحت ستم تزلزل ناپذیر بود. روزنامه تایم مطبوعاتی تفسیری که در باره مرگ هوانتشار داد نوشت که با مرگ او "جهان کمونیست مردی را از دست داد که هم پایه لنین، استالین، مائوتسه تنگ، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته جنبش خواهد بود."

حزب کمونیست چین بیانیه‌ای را صادر کرد که قسمتی از آن بشرح ذیل است:
هوشی مین یک "انقلابی پرولتری برجسته بود که هم به جنبش آزادی بخش ملی کشور خودش خدمت کرد و هم به امر مارکسیسم - لنینیسم. جای بسی تأسف است که پرزیدنت هو در گذشت آنهم در لحظه حساس که جنگ خلق ویتنام علیه تجاوز ایالات متحده و برای رستگاری ملی به پیروزی نهایی نزدیک میشود."
اتحاد شوروی در پیامی که بمناسبت مرگ هوشی مین به هانوی فرستاد، از او چنین یاد کرد:

"یک رهبر برجسته جنبش بین‌المللی کمونیسم و جنبش‌های

آزادیبخش ملی و دوست گبیر اتحاد شوروی"

در کوبا بخاطر درگذشت او عزاداری عمومی هفت روزه اعلام شد. در هانوی دولت ویتنام شمالی، ضمن اعلامیه‌ای که در چهار سپتامبر بخاطر مرگ پرزیدنت هو صادر کرد به اعضای حزب کمونیست، نیروهای مسلح و توده‌های مردم توسل جست و از آنها خواست که "اندوه را به عمل انقلابی تبدیل کنیم. یکپارچگی خود را تحکیم بخشیم و تمام اراده و نیروی خود را به امر بزرگ جنگ و شکست متجاوزان آمریکایی سوق دهیم، جنوب کشور خود را آزاد سازیم و با موفقیت

سوسیالیسم را در شمال پی ریزیم . (در این صورت است که) آرزوهای پرزیدنت هوشی مین تحقق خواهد یافت . "

مراسم تشییع جنازه هوشی مین در ۸ سپتامبر در هانوی صورت گرفت . در این مراسم ۲۵۰۰۰۰ نفر از جمله نمایندگان از تمام قسمتهای ویتنام شمالی و بسیاری از کشورهای خارجی شرکت داشتند .

ارزش و اهمیت هوشی مین

در بین انقلابیون قرن بیستم هوشی مین طولانی ترین و پر خرج ترین نبردها را علیه سیستم استعماری قدرتهای بزرگ رهبری کرد . جنگ او با فرانسه باعث از هم پاشیده شدن یک امپراطوری بزرگ استعماری گردید . نبرد او با ایالات متحده آمریکا محدودیت قدرت تکنیکی را در برابر شهادت و اراده انسان نشان داد . یکی از تاثیرات عظیم این نبرد ایجاد بحرانی عمیق بود در حیات ملی قدرت مند ترین کشور سرمایه داری - ایالات متحده .

هوشی مین در سالهای واپسین زندگیش پرسشی داشت که در برابر آمریکا ثیانی که با میدپایان دادن به جنگ ویتنام از هانوی دیدن می کردند قرار می داد . او می پرسید : " بمن بگوئید آیا هنوز مجسمه آزادی سر پا ایستاده است ؟ گاهی بنظر من می رسد که روی کله استوار باشد . "

مبارزه او با آمریکا نقطه عطفی است برای مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی عصر ما .

هو در مقام یک مارکسیست بارهبران طراز اول جنبش بین المللی کمونیستی همطراز میشود . تاکید او بر نقش دهقانان در مبارزه انقلابی نموده او را با مائوتسه تنگ در یک ردیف قرار می دهد . بسیاری از آثار هوشی مین در مجموعه آثار دو جلدی او که در سال ۱۹۶۰ در هانوی منتشر شد ، گرد آوری شده است .

هوشی مین در طول زندگی پربارش هرگز مجالی نیافت که به زندگی خصوصی خود برسد . او از خود خانواده ای بجای نگذاشت و زن و فرزند نداشت . برادران و

خواهرانش نیز قبل از او مردند. وقتی که مردم ویتنام این موضوع را با او در میان می‌گذاشتند می‌گفت همه شما اعضای خانواده من هستید. مرگ او تغییر چندانی نه در جریان جنگ هندوچین و نه در ترکیب رهبری در کشورش بجای گذاشت. رهبری دسته‌جمعی که او در طول زندگیش ایجاد نموده و گسترش داده بود، خلاء حاصل از مرگ او را جبران کرد.

وصیت نامه سیاسی عمو هوشی مین

مراسم تشییع جنازه هوشی مین در هانوی در میدان بادینه (۱) جایی که او ۱۴ سال پیش رستای خیز کشور ویتنام را اعلام کرده بود، برگزار شد. له‌دوان جان‌نشین هو بعنوان دبیر اول حزب کارگرو ویتنام آخرین وصایای پر اهمیت وی را قرائت کرد. در این وصیت نامه، که سندی است بتاریخ ۱۰ مه ۱۹۶۹، هوشی مین از خلق ویتنام بعنوان "برادرزاده‌های" خود صحبت کرده است. این موضوع منعکس‌کننده روابط ویژه خوشیاوندی ویتنامی است که با کلماتی مانند باک (۲) و نکمیا (۳) بیان می‌گردد.

باک در زبان ویتنامی به معنای عمو است که از لحاظ خلق ویتنام از پدر نیز بسیار محترم تر است. نکمیا اصطلاحی است که در برگیرنده از خود گذشتگی و لزوم کمک به خویشاوندان نزدیک است.

ویژگی دیگر وصیت نامه هوشی مین اشاره او به "دشتهای و کوههای ویتنام" و اصرارش بر این بود که ویتنام بایستی دوباره در زیر یک "سقف" متحد شود. این عبارت مشخص‌کننده واقعیات زندگی دهقانی خلق ویتنام و رابطه آنها با زمین و قلب است که به احساس ملی ویتنامی مفهوم می‌بخشد. ولی هو احساس ملی خود را با امید

] - BADINH SQVIARE

2 - BAC

3 - NGHIA

تزلزل ناپذیرش به یک " انقلاب جهان گستر" در هم می آمیزد . این نیز از خصوصیات مردی است که ۵۰ سال از عمرش را وقف مارکسیسم - لنینیسم کرده است .

سخن را کوتاه نموده و عین وصیتنامه سیاسی هوشی مین را که از متن انگلیسی ترجمه شده است ، در ذیل نقل می کنیم :

" توفو (۱) شاعر نامدار چینی در دوره تنگ (۲) نوشت : " در تمام زمانها اند کند کسانی که به سن ۷۰ سالگی می رسند . امسال با ۷۹ سالگی ام جزو آن مردم " اندک" بشمار می آیم . گرچه سلامتی ام در مقایسه با سالهای قبل تا حدی دستخوش ضعف شده است ولی ذهنم روشن است . اما کیست که بتواند پیش بینی کند که تا کی قادرم خدمات خود را به انقلاب ، سرزمین پدری و مردم ادامه دهم ؟ به این دلیل است که این چند خط را بجا می گذارم ، به پیش بینی روزی که بروم و به کارل مارکس ، لنین ، و دیگر بزرگان افتخار آفرین انقلابی بپیوندم ...

" ابتدا در باره حزب صحبت می کنم . حزب مادر سایه اتحاد نزدیک و وقف همه جانهاش به طبقه کارگر ، به مردم و سرزمین پدری ، قادر شده است که از زمان تاسیس خود خلق ما را طی یک مبارزه شور انگیز متحد کند ، سازمان دهد و رهبری کند و آنها را از پیروزی به پیروزی دیگر رهنمون سازد .

" اتحاد سنت بی نهایت گرانبهای حزب و مردم ماست . تمام رفقا ، از کمیته مرکزی تا واحدهای حزبی بایستی از اتحاد و اتحاد فکر در حزب مثل مردمک چشم خود محافظت کنند . عملی ساختن منظم و جدی برنامه انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب بهترین راه برای دست یابی به دموکراسی و تحکیم و توسعه اتحاد و اتفاق فکر در حزب است .

1-TU-FU

2-TANG

"صمیمیت ناب باید بین تمام رفقا رواج یابد. هر عضو حزب و هر کادر بایستی عمیقاً با اخلاق انقلابی آبدیده شود و جدو جهد، صرفه جوئی، اتحاد و هم بستگی، پایداری، وقف کلی به امر خلق و از خود گذشتگی قابل سرمشق نشان دهد.

"حزب ما باید خلوص کامل خود را حفظ کند. حزب ما باید ارزش خود را بعنوان رهبر و خدمتگزار بسیار باوفای خلق پاس دارد. آموزش و پرورش نسل انقلابی آینده یک وظیفه بی نهایت مهم و ضروری است.

"مردم زحمتکش ما، چه در دشتها و چه در مناطق کوهستانی سالهای سال از سختی، از ستم فئودالی و استعماری و از استثمار رنج برده اند. علاوه بر آن، آنها سالهای طولانی جنگ را تجربه کرده اند. باز هم تاکنون خلق ماقهر-مانی شگرف، شهامت زاید الوصف و احساسات پر شور خود را به منصف ظهور رسانیده و بسیار پر کار است.

آنها از زمان تاسیس حزب تاکنون همواره از آن پیروی نموده و نسبت به آن همیشه وفادار بوده اند. حزب بایستی با دید ارتقاء بلا انقطاع سطح زندگی مردم، برنامه ای عالی را برای توسعه اقتصادی و فرهنگی تنظیم نماید.

"جنگ مقاومت علیه تجاوز ایالات متحده ممکن است ادامه یابد. وطن پرستان ما چه بسا مجبور شوند فداکاریهای مالی و جانی جدیدی را تحمل کنند. در هر حال ما بایستی تصمیم بگیریم تا پیروزی کامل علیه متجاوزین ایالات متحده بجنگیم.

رودخانه ها، کوهها و مردان ما همیشه باقی خواهند ماند. وقتیکه یانکی ها شکست خوردند ما کشور خود را ده برابر زیباتر خواهیم ساخت. مشکلات و دشواریها هر چند هم زیاد باشد، باز هم خلق ما یقیناً به پیروزی دست خواهد یافت.

امپریالیست های امریکائی بیرون رانده خواهند شد. سرزمین پدری ما مجدداً متحد خواهد گردید. وطن پرستان در شمال و در جنوب در زیر یک

سقف دوباره متفق خواهند شد. مملکت ما افتخار استثنائی یک کشور کوچک را خواهد یافت که از طریق مبارزه قهرمانانه خود دو امپریالیسم بزرگ - امپریا - لیسم فرانسه و امریکا - را شکست داده و کمک ارزشمندی به جنبش آزادی بخش ملی نموده است.

" در باره جنبش کمونیستی جهان : من که تمام زندگی خویش را به امر انقلاب اختصاص داده‌ام همانقدر که از مشاهده رشد جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری برخوردارم ، همانقدر هم از اختلافات ، شقاق ها و ناراضائیهایی که احزاب برادر را از یکدیگر جدا می سازد اندوهناکم (اشاره به مناقشات ایدئو - لوژیکی چین و شوروی)

" آرزو دارم حزب ما حداکثر کوشش خود را در راه برقراری اتحاد دوباره بین احزاب برادر بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونال پرولتری ، در راهی منطبق با ضرورت‌های احساس و منطق انجام دهد .

مطمئنم که احزاب و کشورهای برادر دوباره متحد خواهند شد .

" درباره امور شخصی : در تمام زندگیم ، با صمیم قلب و با تمام نیرویم به سرزمین پدری ، به انقلاب و مردم خدمت کرده‌ام . هم اکنون اگر قرار است از این جهان رحلت کنم هیچ چیز نیست که از عدم انجام آن متاسف باشم . تاسف من فقط از این است که نمی توانم مدت طولانی تری خدمت کنم - پس از درگذشت من باید از ترتیب دادن مراسم تشییع جنازه با شکوه اجتناب شود تا وقت و پول مردم تلف نگردد .

" در پایان به تمام مردم ، تمام حزب ، تمام ارتش ، به برادرزاده‌های دختر و پسر ، به جوانان و بچه‌های محبت بی پایان خود را نثار می کنم . همچنین سلامهای برادرانه خود را به تمام رفقا ، دوستان ، جوانان و کودکان جهان می - فرستم .

" آرزوی نهائی من این است که تمام حزب و مردم ما ، ضمن همبستگی نزدیک در مبارزه ، ویتنامی صلح جو ، متحد ، مستقل ، دموکراتیک و سعادتمند

را بنانهند و کمک ارزندمای به انقلاب جهانی بنمایند ."

بیانیه (بنایین روز لیتوانی)

(یادداشت‌های زندان)

موضوعی که خواب و آشوبی برآورد. و باره سخت خواهد بود.
تعمیرات و تعمیرات در تمام نقاط و با تمام تجهیزات
در این میان رعایت تمام اصول و مقررات است. هر کس که قرار است
با این سیستم کار کند باید که با تمام تجهیزات آشنا باشد. هر کس
که کارکنان این سیستم را در اختیار می‌گیرد باید که با تمام تجهیزات
آشنا باشد. هر کس که کارکنان این سیستم را در اختیار می‌گیرد
باید که با تمام تجهیزات آشنا باشد. هر کس که کارکنان این سیستم
را در اختیار می‌گیرد باید که با تمام تجهیزات آشنا باشد.

جسم در زندان است ،
اندیشه به خارج پرواز میکند .
برای تدارک کارهای سترگ ،
اندیشه باید بزرگ
واراده پولادین باشد .

اولین صفحه یادداشت‌های روزانه

سرودن شعر از عادات من نبوده است ،
ولی اکنون در زندان
چه کار دیگری میتوانم بکنم ؟
این روزهای اسارت را
با سرودن شعر سپری خواهم کرد
و بازمزه آنها ،
روز آزادی را نزدیکتر خواهم نمود .

دستگیر شده در خیابان تاکوین
(خیابان "برکت و شکوه")

در خیابان "برکت و شکوه" خجلت بر من عارض شد
زیرا سفرم را بتاخیر می اندازد ؛
من مردی درستکار با وجدانی پاک هستم ،
بنی سبب مرا به جاسوسی متهم کردند .

ورود به زندان ناحیه تسینگ سی

زندانیان قدیمی زندانیان جدید را خوش آمد می گویند .
در آسمان ، ابرهای سفید بدنبال ابرهای سیاه می گذارند .
ابرهای سفید و سیاه از دیدگاه ناپدید میشوند .
روی زمین مردم آزاد در زندان بهم فشرده میشوند .

سخت است راه زندگی

*

من که به بالای کوهستانهای سرفراز و قللههای سربلند صعود کردم
چگونه میتوانم انتظار داشته باشم
در دشت با خطرات بزرگتری روبرو شوم ؟
در کوهها ، با ببر ، روبرو شدم و بی آسیب جستم :
در دشت به آدمها برخوردم ، به زندانم انداختند .

**

من رسول ویتنام بودم
در سفری به چین
برای ملاقات با یک شخصیت مهم .
در جاده آرام ،
طوفانی ناگهانی همه چیز را بهم ریخت
و مرا بعنوان یک مهمان افتخاری
به زندان افکندند .

من مردی بی آلاشم
بی هیچ گناه در وجدانم ،

ولی مرا به جاسوسی در امور چین متهم کردند .

پس می بینید که راه زندگی

چندان هم هموار نیست ،

اکنون روزگار با مشکلات قرین میشود .

بامداد

*

هر بامداد خورشید ،

بالای دیوار ظاهر میشود ،

اشعه اش را بر دروازه می کوبد ،

ولی دروازه همچنان بسته باقی می ماند .

در داخل زندان ،

بند در تاریکی کفن پوش می شود .

ولی ما آگاهییم که در بیرون

خورشید روشنایی بخش است .

**

همینکه بیدار می شویم ،

هرکس شروع به شکار شپش میکند .

در ساعت هشت زنگ صبحانه به صدا در می آید .

عجله کنید ! بیائید برویم

و انسان که دلمان میخواهد غذا بخوریم .

برای آنهمه زجری که کشیدهایم ،

باید اوقات خوبی هم فرا رسد .

ظهر

در سلول ،

چشم‌مطبوع است یک خواب خوش نیمروزی!

ساعتی خواب شیرین ما را در می رباید .

خواب می بینم که سوار بر اژدهائی * در آسمان پرواز می کنم .

با بیداری ،

ناگهان دوباره به زندان برگردانده می‌شوم .

بعد از ظهر

ساعت دو :

در سلول باز می شود تا هوای تازه بداخل آید .

هرکسی سرش را برای دیدن آسمان بلند می‌کند ،

جانهای آزاد در آسمان آزادی در رفت و آمد هستند ،

آیا می دانید هم نوعان شما در زندان دارند می بوسند ؟

شب

وقتی که غذا تمام می‌شود آفتاب در باختر فرو می‌رود .

اکنون ،

از تمام گوشه‌ها ،

* - اژدها سمبول سرزمین نیاکان ویتنام و در قسمت

خاوری آسیا نمودار قدرت و توانائی است .

موزیک و آوازهای عامیانه

ناگهان آغاز میشود :

زندان محزون تسینگ سی

به هنر کده موسیقی تبدیل می گردد .

غذاهای زندان

در هر وعده غذا ،

فقط یک کاسه برنج قرمز ،

بدون سبزی ،

بدون نمک ،

و حتی بدون هیچ خورشتی با آن :

آنهایی که غذا را از خارج زندان دریافت می کنند

گاهی اوقات می توانند یک شکم سیر بخورند .

ولی بدون کمک از خارج

از گرسنگی می نالیم .

فلوت هم زنجیر

ناگهان فلوت ، نغمه دوری از وطن را به نوازش در می آورد .

آهنگ بطور اندوهناکی اوج می گیرد

لحن آن به مویه نزدیک میشود :

اندوهی جانگداز بیش از هزارمیل ،

از میان کوهها و رودخانهها سفر می کند ،

گوئی زنی را می بینیم

که بالای برج بلندی صعود کرده

تا باز گشت کسی را نظاره کند .

پای در زنجیر

*

زنجیر های آهنین باد هانی بازو گرسنه

چنان عفرتی پلید ،

هر شب پاهای انسان را می درند ، می بلعند :

گیره ها سخت و محکم

پای راست هر زندانی را فشار می دهند ،

فقط پای چپ است که برای خم و راست کردن آزاد است .

**

باز هم چیزی عجیب در این دنیا وجود دارد .

مردم به جایی که پایشان را در زنجیر می کنند هجوم می آورند .

زمانی که در بندند ،

میتوانند آسوده بیارامند .

و گرنه جایی نخواهند داشت که سر خود را بر زمین نهند .

*

برای گذراندن وقت بازی شطرنج یاد می گیریم .

اسب ها و پیاده ها در گروه های هزار نفری یکدیگر را دنبال می کنند ،

بسرعت وارد عمل میشوند ،

در حمله یا عقب نشینی

مهارت و چابکی ما را پیش می اندازد .

**

چشمها باید دور را ببینند ،

و اندیشه در ژرفا سیر کند .

در حمله جسور و بی ترحم باش

اگر فرمان اشتباه دهی ،

دوقلعه از دست می‌رود .

وقتیکه لحظه مناسب فرا رسد ،

یک پیاده می‌تواند پیروزی را به ارمغان بیاورد .

نیروهای هر دو طرف متعادل است .

ولی پیروزی فقط برای یک طرف خواهد آمد .

حمله کن ،

عقب نشین ،

با استراتژی درست .

تا استحقاق عنوان فرمانده کبیر را داشته باشی .

مهتاب

برای زندانیان ،

نه الکل است و نه گل ،

ولی شب به این قشنگی را ،

چگونه جشن بگیریم ؟

من بسوی سوراخ هواکش می روم

و بماء خیره می شوم ،

از میان روزنه ، ماه به شاعر لبخند می زند .

جیره آب

هریک از ما جیره ای معادل نیم مشربه آب دارد

برای شستشو

یادم کردن چای ،

تا کدام را انتخاب کنید .

اگر بخواهید صورتتان را بشوئید
باید بدون چای سر کنید :

اگر بخواهید یک فنجان چای بنوشید ،

مجبورید از شستن صورتتان صرفنظر کنید .

فستیوال نیمه پائیز

*

ماه نیمه پائیز بسان آئینه‌ای گرد است

و تمام زمین را با اشعه سفید نقره فام خود پرتوافشانی می‌کند .

شما که در بین خانواده‌تان از جشن نیمه پائیز لذت می‌برید ،

بخاطر بیاورید آنهائی را که در زندان درد بدبختی را مززه می‌کنند .

* *

در زندان ما نیز نیمه پائیز را جشن می‌گیریم .

برای ما ماه و باد پائیزی بوی غم و غصه می‌آورد .

قلب من که از آزادی لذت بردن از ماه پائیزی محروم شده ،

در دل آسمان بدنبال مسیرش سرگردان است .

قمار بازی

خارج از زندان ،

افرادی که قمار میکنند دستگیر می‌شوند .

ولی وقتیکه در داخل زندان هستند

میتوانند آنطوریکه میل دارند قمار کنند ،

بنابراین ،

دور زندان اغلب از زندانیان شنیده میشود که شکایت می‌کنند :

" چرا قبلا " هرگز فکر نمی‌کردم که زودتر به این محل آیم ؟ "

زندانی بخاطر قمار

دولت برای آنهایی که بخاطر قمار زندانی شده اند غذا تهیه نمی کند .
باشد که آنان بزودی به اشتباه گذشته شان پی ببرند :

هر روز زندانیان ثروتمند از غذاهای فراوانشان لذت می برند ،

ولی زندانیان فقیر

سرشک از دیده فرو می بارند

واز گرسنگی دهانشان آب می افند .

انتقال به این پائو در روز جشن ملی *

هرخانه با گل و فانوس تزئین می شود .

تمام کشور از شادی سرمست است .

جشن ملی است .

ولی در همین روز ، مرا بزنجیر کشیدند

وبه زندان دیگری بردند .

باد کماکان در جهت مخالف پرواز عقاب می وزد .

در جاده

تنها در بیرون زندان

در مسیر جاده است که میتوانیم

پی به مخاطرات ببریم .

* DOUBLE TENTH روز ملی ویتنام

پس وقتیکه با تلاشی بی گیر
به بالاترین قله رشته کوه صعود کردیم ،
تازه آنجاست که با یک نگاه
پیش از ۱۰ هزار "لی * " را درمقابل خود می بینیم .

شامگاه

پروندگان با خستگی بسوی جنگل
در جستجوی پناهگاهی در پروازند .
درمیان آسمان تهی پاره ابری در حال حرکت است .
در دور دستها در دهکده ای کوهستانی ،
دختری جوان دانه ذرت را آسیاب می کند .
وقتی که ذرت کاملاً " آسیاب شود .
آتش با شعله های قرمز فام در تنور می سوزد .

* لی - واحد مسافت چین که معادل ۶۴۴ متر است .

توقف شبانه در لانگ جون

تمام روز "دورا هوار" * من بدون استراحت یورتمه رفتماند
و شبانگاه ازمن با "جوجهای با ۵ نوع ادویه * * پذیرائی میشود
وبه من سرما و حمله دسته جمعی ساسها تقدیم می شود .
چه خوش است نوای مرغ سحر که آمدن پگاه را اعلام میدارد .

تین تانگ

برای هر وعده غذا ، فقط یک کاسه آش برنج
شب وروز ،

شکم گرسنه قارو قور می کند .

سه " یوآن " * * * برنج سفید برای سیر شدن کافی نیست ،
وقتیکه چوب را مانند دارچین می فروشند
برنج نیز حکم مروارید را پیدا می کند .

* (منظور از "دورا هوار" بطور طنز آمیزی هر دو پای
نویسنده است که تمام روز بدون استراحت راه سپرده اند .)
* * (اشاره ای است طعنه آمیز به دو پای زندانی که
تمام مدت شب در قید زنجیر است ، همچنان که شبها هر
دوپای جوجه را می بندند تا در رستورانها غذای " جوجه
با ۵ ادویه " تهیه نمایند .)

*** YUAN واحد پول چین

ورود به یتن پائو

امروز ۵۳ کیلو متر راه سپردم .
لباسهایم همه خیس و کفشهایم پاره پاره شدند ،
اکنون تمام مدت شب را ،
بدون جایی برای دراز کشیدن ،
در جوار مستراح
در انتظار فرا رسیدن صبح هستم .
شوهرش پشت میله های آهنین است .
زن خارج از میله هاست و درون را می نگرد .
آنها چقدر بهم نزدیکند ،
فقط چند اینچی آنها را از هم جدا می کند ،
و چقدر دور ،
بدوری پهنه آسمان و ژرفای دریا .
وقتی که هیچ سخنی بیان نمیشود ،
چشمان یاسر آلودشان بایکدیگر رابطه برقرار می کند .
قیل از بیان هر سخنی ،
چشمانشان از اشک پر میشود .
چه کسی می تواند اینجا بایستد
و بی تفاوت ملاقات آنان را تماشا کند ؟
ماهر دو دوستان چین هستیم ،
هر دو به چانگ کینگ می رویم .
ولی به تو جایگاه یک مهمان محترم داده میشود .
درحالی که من زندانی هستم
و درزیر چکمه ها لگد مال می کنند ،

چرا با ما اینطور متفاوت رفتار میشود؟

دمسردی بیکی

و خونگرمی نسبت بدیگری :

از زمانهای خیلی دور ،

راه و رسم روزگار چنین بوده است

که آب از سرازیری بطرف دریا جریان یابد .

و کسی برسد به آنجا که آب از دریا برود

پند به خویشتن

تا در گرمی و پندار نرسد .

بدون سرما و دلتنگی زمستان ،

گرمی و شکوه بهاری را امکان وجود نیست .

بدبختی مرا صبور و آبدیده کرده ،

و روانم را به فولاد بدل ساخته است .

و در آن روز که من در آنجا بودم

منظره روستایی

در آن روز که من در آنجا بودم

زمانی که اینجا آمدم ،

نهالهای برنج تازه سبز شده بودند .

اکنون پائیز فرا رسیده ،

و نیمی از خرمن ها برداشت شده است .

همه جا لبخند بر چهره دهقانان خود نمائی می کند .

و آواز و قهقهه از میان شالیزارها گوش را نوازش می دهد .

چنگ از ریختن گلهای بهاری بر میخورد .

چه کسی میتواند مرا از لذت برون از همه باز دارد ؟

چیزهایی که اندکی از غمهای من را برطرف کند

مسافرخانه آتش برنج

درکنار جاده ،

در سایه درختی بزرگ ،

کلبه ای حصیری برای رهگذران ارزش یک مسافرخانه را دارد .

ولی برای مهمانان از شراب خبری نیست :
خوراک فقط آتش سرد برنج و نمک سفید است .

دندان کوتاه

زندان عجیبی است .

انجام امور داخلی زندان بر ما فشار می آورد .
چوب ، برنج ، روغن و نمک ،
همه را باید خرید و برایشان پول پرداخت .

در جلو هر سلول بخاری کوچکی قرار دارد

که روی آن در تمام روز

برنج غلغل می کند

و سوپ پخته می شود .

عزیمت قبل از طلوع آفتاب

خروسها یکبار بانگ می زنند ،

شب هنوز تمام نشده است .

ماه همراه با ستارگان

به آرامی ببالای تپه های پائیزی صعود می کند ،

و اکنون مسافری که به دوردستها سفر می کند ،

در جاده است ؛

گردباد سردی بر چهره او سیلی می زند .

زردی خاور به سرخی می گراید ،

سایه شب همه جا را فرا گرفته است .

و گرمی برجها گسترده میشود .

و مسافر را در بر می گیرد .

شاعر گرم و بیدار میشود .

از لون گان تا زندان تا نگ جون

در این منطقه زمین وسیع

ولی بسیار کم حاصل است ،

لذا مردم صرفه جو و کوشش کنند .

در این بهار آنها از یک خشکسالی سخت رنج میبرند ،

به ما می گویند :

فقط دویا سه دهم زمین قابل کشت است .

در جاده

گرچه بسختی بازو و پاهایم را بستانند ،

در سرتاسر کوهستان نغمه پرندگان را می شنوم ،

جنگل از رایحه گلهای بهاری پر میشود .

چه کسی میتواند مرا ، از لذت بودن از همه باز دارد ؟

چیزهایی که اندکی از تنهایی این سفر طولانی ام می کاهد .

تانگ چون

(دومین روز از ماه یازدهم)

زندان تانگ چون بسیار به پینگ ما * شبیه است :

هر وعده غذا یک کاسه آش برنج ،

شکم همیشه خالی است .

ولی حداقل در اینجا نور کافی

و آب فراوان است ،

و هر روز سلولها دوبار باز میشوند

تا هوای تازه بدرون آید .

پتوی کاغذی یک هم زنجیر

صفحات کتب کهنه و نورا بیکدیگر چسبانده اند !

یک پتوی کاغذی بهتر از هیچ است .

شما ای مردمی که در رختخوابهای حریر

با ملحفه‌های زربفت می خوابید ،

آیا می دانید که در زندان

بسیاری از افراد هستند

که اصلا " نمی توانند بخوابند ؟

* PINGMA

شب سرد

در شب سرد پائیزی ،

بدون تشک ،

بدون پتو ،

ومن در حالی که دراز کشیده‌ام

کمرم را دولا

و پاهایم را بهم چسبانده و حلقه نموده‌ام ،

بیهوده سعی می‌کنم که بخوابم .

ماهتاب بر روی درختان چنار

احساس سرما را فزونی می بخشد ،

و از میان میله‌های پنجره

دب اکبر به بالا می خزد و به درون می نگرد .

به بند بسته

ازدهائی بزرگ بدور بازوها وپاهایم پیچیده شده است .

من میتوانستم یک افسر خارجی بامنگوله‌های روی دوش‌هایم باشم

منگوله‌هایی که افسران می پوشند از نخ‌های طلائی بافته شده است

لیکن منگوله‌های من بیش از یک ریسمان کنفی حلقه حلقه نیست .

وداع با یک دندان

دوست من ،

تو سر سخت و پر غروری ،

نه نرم و دراز مانند زبان ؛

ما باهم در تمام خوشیها و ناخوشیها شریک بودیم ،

ولی اکنون تو باید به شرق بروی و من به غرب .

همسر یک سرباز فراری

یک روز رفتی ،

که دگر باز نگردی ،

ما در خانه تنها نهادی ،

در حسرت و اندوه یاری و همنبازی

مقامات را که دل بر تنهایی من بسوخت ،

ما دعوت نمودند که موقتا " در زندان زندگی کنم .

چیزی برای خندیدن

دولت برنج بمن میدهد :

من در قصر هایش سکونت می گزینم ،

نگهبانان آن به نوبت کار می کنند

که بعنوان اسکورت بمن خدمت کنند .

به کوهها و رودخانهها هر طور که دلم بخواهد خیره میشوم .

با کوله باری از چنین امتیازاتی ،

یک مرد واقعا " مرد است .

در راه تانینگ

هم اکنون زنجیرهای پولادین

جانشین ریسمان های نرم شده اند .

در هر گام زنجیرها صدا می کنند .

گوئی من زنگوله های فیروزه بر پای دارم .

گرچه یک زندانی متهم به جاسوسی هستم ، ولی با تمام جلال و جبروت یک مامور قدیمی دولت حرکت می کنم .
نگهبانان خوک حمل میکنند

*

در مسیر جاده های که ما سفر می کنیم
نگهبانان خوک حمل میکنند .
خوکها روی شانه های نگهبانان حمل میشوند ،
در حالی که انسانها به زنجیر کشیده شده اند .
وقتی که انسان مجبور شود از آزادی طبیعی دست بکشد ،
ارزش انسان از ارزش خوک کاستی می گیرد .
* *

در این دنیا دردهای بشری ممکن است سر به دهها هزار بزند
ولی هیچ چیز بدتر از
از دست دادن آزادی نیست .

یک کلمه ساده ،
یک ژست ساده
دیگر جزو حقوق انسان محسوب نمیشود .
فقط میتوانیم خود را تسلیم کنیم
که چونان گله های اسب و گاو بجلو رانده شویم .
لغزش

هنوز تاریکی بر زمین مستولی است ،
ولی ما مجبوریم راه بسپاریم ؛
جاده پر پیچ و سخت و ناهموار است .

در مسیر جاده لغزیدم
و تقریبا " در گودال خطرناکی افتادم .
ولی خوشبختانه میتوانم بیرون بپریم .

در قایقی بمقصد نانینگ

قایق در حالیکه با جریان آب بجلو رانده میشود ،
بسوی نانینگ می خرامد .
پاهایمان به سقف بسته اند ،
گوئی روی چوبه دار قرار گرفته ایم .
در امتداد هر دو ساحل رودخانه ،
روستاهای پر جوش و خروش و پر برکت قرار دارند .

قایق ماهیگیران بسرعت در جریان وسط رود به پیش می تازد .
زندان نانینگ

در اینجا یک زندان است ،
زندانی که با سبکی ماورای مدرن ساخته شده است .
تمام شب محوطه با نور خیره کننده برق روشن میشود .
ولی از آنجا که غذا چیزی جز یک کاسه آش برنج نیست
معدده همیشه در حالتی از قارو قور اعتراض آمیز است .

اندوه

شراره سوزان جنگ سرتاسر جهان را فرا گرفته است ،
ومردان باهم رقابت می کنند که اول چه کسی در جبهه بجنگد .

در زندان بی عملی شدیداً "برشانه زندانیان سنگینی می کند ، شب روزی هرگز بلند پروازیهای شکوهمند من پیشیزی نمی ارزد .

گوش دادن به بانگ خروس

توفیق یک خروس معمولی هستی ،

ولی هرگاه با بانگ خود آمدن سحر را اعلام می داری .

قوقولی قو ! تو مردم را از خواب بیدار میکنی .

واقعا " که کار روزانه ات کم اهمیت نیست .

مرگ مردی که بخاطر قمار زندانی شده بود

جز پوست و استخوان چیزی از او باقی نمانده بود .

بینوائی ، سرما و گرسنگی

پایان کارش بود .

همین دیشب او در کنار من خوابید ،

ولی امروز صبح به " دریا ۹ چشمه ساران " سفر کرد .

بازهم یکی بیشتر

...

"پویی" و "چوتسی" (۱) برنج دودمان "چو" را رد کردند ،

ولی این مرد آش برنج دولت را رد کرد .

پویی و چوتسی در کوه سویانگ در گذشتند .

زندانی قمار باز در سلولش از گرسنگی مرد .

...

سیگار کشیدن ممنوع

...

اینجا ، سیگار کشیدن اکیدا " ممنوع است !

تنباکوی شما در جیب زندانبان ناپدید میشود .

البته ، او آنرا در چپق خودش می ریزد .

...

او هر حقی دارد ،

ولی اگر بازهم کوشش کنید ،

دست بند است که انتظارتان را می کشد .

...

۱- پویی و چوتسی پسران شاه کوتشو ، در اواخر فر

مانروائی سلسله "یین" در چین بودند . وقتی که پادشاه یو-

آئین جنگ با خاندان "آن" را بر افروخت ، پویی و چوتسی

سعی کردند پادشاه را از اینکار منصرف کنند . لیکن شاه

پیشنهاد آنان را نپذیرفت . وقتی پادشاه یو کشور را تسخیر

کرد و سلسله چو را بنیان نهاد ، هر دو از خوردن " برنج

متعلق به چو" امتناع کرده ، به کوه سویانگ رفتند و بجای آن

گیاهان وحشی خوردند و بعدها هر دو در آنجا از گرسنگی

مردند .

غروب پریده رنگ

بوی بهار

خداوند را دعا کن که...

اکنون لبه شمشیر باد

با صخره های کوه تیز می شود .

نیزه سرما شاخسار درختان را سوراخ می کند .

آواز ناقوس از پاگودای * دور دست ،

گامهای مسافران را به شتاب وامیدارد ،

و چند پسر بچه در حالی که در نور پریده رنگ شامگاهی

گله های گاو میش را بخانه می رانند ،

فلوت می نوازند .

بوی بهار

بوی بهار

مخارج

بوی بهار

شصت سنت برای پختن یک ظرف برنج !

یک طشت آب گرم برایت یک " یوآن " تمام می شود .

یک یوآن برای چیزی که فقط شصت سنت می ارزد .

اینها هستند هزینه های مقرر شده در زندان .

بوی بهار

یک شب بیخوابی

بوی بهار

کشیک اول میگذرد . . . کشیک دوم . . . کشیک سوم

در جای خود می غلتم ،

بوی بهار

* پاگودا PAGODA معبد بوداییان در برمه و سایر

کشور های جنوب غربی آسیا .

بخود می پیچم ،

ولی خواب به چشمانم راه نمی یابد .

چهارمین پنجمین کشیک !

به محض آنکه پلک هایم رویهم می افتند ،

ستاره پنج پر در رویایم سوسو می زند .

در اندیشه یک دوست

آن روز ، با من به کنار رودخانه آمدی و پرسیدی :

"چه موقع بر می گردی؟"

بتو گفتم :

"وقتیکه محصول امسال برداشت شود ."

ولی اکنون محصول مدتهاست که برداشت شده است ،

وهنوز هم من زندانی هستم

در سرزمینی عجیب .

نوشتن عریضه برای هم زنجیر

در حالیکه همه در یک قایقیم ،

هرگز نمیتوانیم از کمک به یکدیگر امتناع ورزیم .

من برای تو این عرضحال را مینویسم ،

شروع به نگارش اصطلاحاتی می کنم که بنظرم درست است ،

مانند : " بنا براین طبق او امر عالی "

این نوع عبارات را اکنون برای نخستین بار یاد می گیرم .

ولی تو چگونه از من بخاطر عهده دار شدن چنین شغل قشنگی

سپاسگزاری !

خارش

با بدن پوشیده از لکه‌های آبی و قرمز ،

بنظر می‌آید که لباسهای پرنقش و نگار بتن کرده‌ایم .

با ادامه خارش و خاراندن خویش گویی گیتار می‌نوازم .

خوب ، البته ، ما اینجا مهمانان افتخاری هستیم

که ما را لباس خوش نقش و نگار پوشانده‌اند .

با هم نوازان خود نوای مشترکی داریم .

گوش فرا دادن به ساییدن برنج

برنج چقدر باید در زیر ضربات برنج کوب کشد !

ولی بعد از کوبیده شدن ،

برنج سفید مانند کتان بدست می‌آید .

همان چیزی که اغلب برای انسانها نیز در این دنیا اتفاق می‌افتد :

کارگاههای بدبختی آنان را به یاقوت صیقل داده شده مبدل می‌سازند .

یازدهم ماه نوامبر

سابقاً " با نزدیک شدن روز یازدهم نوامبر

پایان جنگ جهانی اول در اروپا جشن گرفته میشد .

امروز ، جنگ لعنتی ۵ قاره جهان زبانه می‌کشد ،

و نازیها جنایتکاران اصلی جنگ هستند .

اکنون جنگ مقاومت چین تقریبا "شش سال است که ادامه دارد .
عملیات قهرمانانه آن در اقصی نقاط جهان آشکار شده است .
پیروزی در جنگش است ،

ولی کوششهای بیشتری نیاز است ،
برای انجام حمله متقابل .

در تمام آسیا پرچمهای ضد ژاپنی در اهتزاز است . البته همه آنها یکجور نیستند .
بعضی از پرچمها بزرگ و برخی کوچکاند . معلوم است که ما باید پرچم بزرگ داشته باشیم ،
ولی به پرچمهای کوچک نیز نیاز داریم .

اخطار حمله هوایی دوازدهم نوامبر

هواپیماهای دشمن در آسمان غرش کنان می آیند .
مردم به پناهگاهها گریختند
وجاهای خود را خالی گذاشته اند .
بعثت تزاید حمله هوایی ،
ما را از زندان بیرون برده اند .
ولی علیرغم حمله هوایی ،
خوشحالیم که از زندان بیرون هستیم .

مسافرخانه

و لشکر به ننگه سپهر

طبق قانون ، (...)
تازه واردان به زندان
باید نزدیک مستراح بخوابند ،
بنابر این هر کس که می خواهد از خواب شیرین شب اطمینان داشته باشد
باید قبلاً " پول نقد بپردازد .

آفتاب درخشان با مدادی

آفتاب درخشان با مدادی

عند مه اهدای آن آفتاب بود

؟ هر چه نتواند ، باید ...

آفتاب صبح به داخل زندان نفوذ میکند .

دود را بیرون می راند

دود را بیرون می راند

و غبار را پس می زند .

دم گرم زندگی تمام جهان را پر می کند ،

و لبخند چهره تمام زندانیان را روشن میسازد .

بازی با کلمات

بازی با کلمات

کسانی که از زندان بیرون می آیند میتوانند کشور را بسازند .

مصیبت محک سنجش صداقت افراد است .

آنهایی که علیه بی عدالتی می جنگند

انسانهای راستین هستند .

زمانیکه درهای زندان باز شود ،

ازدهای واقعی به بیرون پرواز خواهد کرد .

...

...

...

شیپور جنگ در ویتنام

(خبر از آژانس "زیک دائمو"، منتشر شده در مطبوعات نانینگ)

مرگ بهتر از بردگی است!

در کشور من در هر کوی و بوزن

پرچمهای سرخ دوباره در اهتزازند.

آه،

چرا باید در چنین زمانی زندانی باشم!

چه وقت آزاد خواهم شد،

که در نبرد شرکت جویم؟

هیئت نمایندگی بریتانیا در چین

آمریکاییها رفتند،

و اکنون انگلیسیها وارد میشوند.

هرجا از نمایندگان آنها استقبال می شود،

من نیز یک نماینده،

برای دیداری دوستانه از چین هستم.

ولی استقبال گرمی که از من به عمل می آید

از نوع دیگری است!

انتقال دوباره به اومتیک

آنها مرا به نانینگ منتقل می کنند،

سپس مرا به اومتیک بر می گردانند،

با انتقال پشت انتقال، سفر بدرازا می کشد.

از این چیزها بسیار بخود دیدهام!

گوشت سگ در پائوسیانگ

در کوئته

آنها ماهی تازه میخورند .

در پائوسیانگ ،

آنها با گوشت سگ زندگی می کنند .

حتی نگهبانان زندان

سحر گاهان ،

غذاهای لذیذ کمیاب صرف می کنند .

کارگران جاده ساز

خیس از باران ،

تازیان خورده از باد ،

و بدون هیچ استراحت

با چه بدبختی آنجا کار می کنند ،

برای تعمیر جاده !

در میان مسافرانی که می گذرند ،

چه پیاده ،

چه بر پشت اسب ،

و چه با کالسکه ،

چند نفر از آنها از شما سپاسگزار است ؟

عصای من که بوسیله زندانیان بسرقت رفته است

همه زندگیت با من ،

تو نیرومند و استوار بودی .

با هم از میان فصلهای برفی و مه گرفته گذشتیم

لعنت بر دزدی که ما را از یکدیگر جدا کرد !

آیا هرگز اندوهی که او بر هر دوی ما وارد کرد سپری خواهد شد ؟

فرسنگ نگار

نه بلند ، نه خیلی دور ،

نه امپراطور ، نه پادشاه ،

تو فقط یک فرسنگ نگار کوچک هستی ،

که در کنار جاده اصلی قرار گرفته‌ای .

تو به رهگذران

جهت درست را نشان می دهی .

و آنها را از گمشدگی نجات می دهی .

تو به آنها فاصله را می نمایی ،

فاصله‌ای که هنوز باید سفر کنند .

خدمت تو اندک نیست .

و مردم همیشه تو را بیاد خواهند داشت .

نوزاد در زندان پین‌یانگ

اوآ ! اوآ ! اوآ !

پدرم فراری است ،

پدرم از سرباز شدن میترسد .
بنابراین من در زندانم ،
گرچه فقط ۶ ماه دارم .
من مجبور شدم با مادرم بیایم .

هزینه برق

هنگامی که وارد زندان می شوی
هزینه برق را به تو تحمیل می کنند !
۶ یوان کوانگ سی برای هر نفر ،
بنابراین در این قلمرو ظلمت ،
روشنائی فقط ۶ یوان می ارزد .

زندگی در زندان

هرکس بخاری خود را دارد ،
و تعدادی ظروف سفالی
برای پختن برنج و سبزیجات و دم کردن چای .
تمام مدت روز بی وقفه زندان از دود پر میشود .

آقای گو

این ملاقات یک اقبال غیر منتظره بود ،
چنانکه دو توده با جریان آب بیکدیگر برخورد کنند .
آه ، آقای گو ،

میدان لطف تو برای من چه معنایی دارد !
بسان ارمغان قطعه‌های ذغال در ژرفای زمستان .
حال میدانم که هنوز مردمی مثل تو وجود دارند !

آقای مو ، سرنگهبان

سرنگهبان زندان پین‌یانگ قلبی‌زیرین دارد .
او با پول خود برای زندانیان برنج می‌خرد .
هنگام شب زنجیرها مان را باز می‌کند
تا بتوانیم بخوابیم .
او هرگز به‌زور متوسل نمیشود .
و تنها به‌مهربانی توسل می‌جوید .

در ترن بمقصد لیپینگ

بعد از دهها روز مسافرت خسته‌کننده با پای پیاده
امروز سوار بر یک ترن می‌شویم .
اگر چه مجبوریم روی کومه‌های ذغال سنگ بنشینیم
ولی لااقل این بهراتب بهتر از پیاده روی است !

مردی گوشش می‌کند بگیریزد

تحریک شده با یک فکر - آزادی ،

او از ترن در حال حرکت بیرون می‌پرد ،

همه‌خطرات را بجان می‌خرد ،

و تقریباً " یک‌سالی " می‌دود .

بدبختانه بوسیله نگهبانان دستگیر
وباز گردانده میشود .

لایپنیک

اینجا رئیس نگهبانان هر روز ورق بازی می کند ،
رئیس پلیس برای انتقال ،
از هر زندانی اخاذی میکند .
رئیس ناحیه براحتهی زیر نور یک لامپ کار میکند .
اینجا هیچ چیز تغییر نکرده است .

ورود به لیوچو

تمام تلخیها ورنجها را باید پایانی باشد .
روز نهم که اینجا به لیوچو رسیدم ،
به یکصد روز کا بوس گذشته نظر افکندم .
وقتی بیدار شدم هنوز نقش اندوه بر چهره ام بود .

بازداشت طولانی بدون بازجوئی

وقتی به درد مشروب می رسیم ،
مشروب از همیشه تلختر به مذاق می آید .
عبور از دروازه مرزی از همه جا مشکل تر است .
محل اقامت فرماندار* فقط در حدود یکلی دور است .
ولی چرا مرا اینجا برای مدتی اینقدر طولانی منتظر نگه داشته اند ؟

نیمه شب

چهره‌ها در خواب سیمائی معصومانه دارند .
فقط وقتی که بیدار شوند ،
خوب یابد در آنها آشکار میشود .
خوب و بد در انسان صفات مادرزادی نیستند :
بسیار اتفاق می افتد که
این صفات از آموزش های ماناشی میشوند .

* در اینجا فرماندار بجای لغت MANDARIN گذاشته
شده به مقامات عالیرتبه چینی اتلاق میشد
که در سیستم امپراطوری ۹ طبقه متمایز را تشکیل می دادند
وهریک تکه‌ای جواهر در جلو کلاه خود نصب میکرد که از
دیگران متمایز باشد .

در اقامتگاه فرماندار

فکر کردم که سرانجام به آخر خطر رسیدیم !

فکر کردم که روز تحویل دارد نزدیک میشود .

چه کسی تصورش را می کرد

که آنها مانع دیگری خواهند تراشید .

یک انتقال دیگر :

حالا ما باید به کوئیلین برویم .

پس از گذشت چهار ماه

قدیمی ها چقدر ذیحق بودند وقتیکه می گفتند :

" یک روز در زندان برابر است با هزار سال در بیرون "

چهار ماه سرکردن با یک زندگی

که در آن هیچ چیز انسانی وجود ندارد ،

بیشتر از ده سال را بسر کرده است .

آری :

در تمام مدت چهار ماه ،

هرگز یک شکم سیر غذا نخورده ام .

و در طی مدت چهار ماه ،

هرگز یک خواب راحت نداشته ام .

طی چهار ماه ،

هرگز لباسم را عوض نکرده ام .

و در چهار ماه ،

هرگز حمام نگرفته ام .

در این مدت :

یک دندان از دست داده ام ،

موهایم خاکستری شده است

و چونان شیطانی نزار از گرسنگی

قامتم خمیده

و چهره ام تیره گشته است .

با چرک و کثافت پوشیده شده ام .

خوشبختانه

صبور و سر سختم .

هرگز یک گام نیز واپس نمی نهم .

گرچه از نظر جسمانی رنج می کشم ،

ولی روحیه ام تزلزل ناپذیر است .

بیمار سخت

بدنم تحت تاثیر هوای متغیر چین

کوفته شده است .

قلبم بخاطر بدبختیهای که گریبانگیر ویتنام شده

سخت ناراحت است .

آه ، چه تلخ است که انسان در زندان به بیماری افتد .

ولی ، بجای گریه کردن

ترجیح می دهم آواز بخوانم .

ورود به کئوپلین

(جنگل دارچین)

کئوپلین نه دار چین دارد ونه جنگل .

فقط

کوههایش بلند هستند

رود هایش ژرف .

در سایه یک درخت انجیر بزرگ ،

زندان بسیار وحشتناک بنظر می آید .

روزها تاریک ،

وشامگاهان متروک .

ورودیه

!؟

در موقع ورود به زندان ،

شما مجبورید پولی بپردازید -

معمولا " نه کمتر از پنجاه یوان .

البته ، اگر شما مطلقا " پولی برای پرداخت نداشته باشید ،

بطور مداوم دچار دردسر و ناراحتی خواهید بود

!؟

چهل روز گذشت

بدون هیچ نتیجه ای .

چهل روز رنج و صفا نشدنی !

واکنون دوباره به لیوچو فرستاده میشوم .

غم ها و ناراحتیهای جدید برای همیشه ادامه دارد .

!؟

لیو چو ،

کتوپلین ،

وبازهم لیو چو .

مثل یک توپ فوتبال

به جلو

وعقب

پرتاب میشود .

بی گناه ،

در تمام کوانگ سی کشیده شده ام .

کی این آمدن ها و رفتن ها پایان خواهد یافت ؟

در دفتر سیاسی منطقه چهارم مقاومت

من به سیزده منطقه استان کوانگ سی سفر کرده ام ،

وخوشیهای هیجده زندان مختلف را مزمره نموده ام .

همواره از خود می پرسم که چه جرمی مرتکب شده ام ؟

جرم فدائی بودن برای خلق خویش .

صحنه بامدادی

بامدادان خورشید به بالای قله های کوه صعود می کند

وباپرتوی سرخ فام کناره های کوه را شستشو می دهد .

تنها در جلوی زندان است که شبح تاریک برجای می ماند .

وراه اشعه آفتاب به سلول زندان سد می شود .

جشن تسینگ منیگ

روز جشن تسینگ منیگ ،

بارانی ریز ویک نواخت می بارد .

ساکنان زندان درد دلتنگی شدید را احساس می کنند .

می پرسیم : " آزادی ، کجائی ؟ "

و نگهبان اشاره می کند :

در دور دستها در محل اقامت مقامات رسمی .

صحنه شامگاهی

گل سرخ شامگاهان شکفته میشود

واندکی بعد می پژمرد .

شکوفائی و پژمردگی آن

همواره بی هیچ اشاره قبلی ادامه می یابد ،

ولی رایحه گل سرخ

تا اعماق زندان پخش می شود ،

وبه ساکنان زندان از اندوه و بیدادگری زندگی سخن می گوید .

محدودیت ها

زندگی بدون آزادی

واقعا " یک زندگی نکبت بار است .

حتی قضای حاجت با محدودیت روبرو میشود .

وقتی در باز می شود ،

شکم آماده نیست خود را خالی کند .

وقتی قضای حاجت فشار می‌آورد ،
در بسته است .

شبهای بیخوابی

طی شبهای بی پایان ،
همان زمان که خواب به چشمانم راه نمی یابد ،
بیش از یکصد شعر در باره زندگی زندان مینویسم .
در پایان هر رباعی ،
قلم را بزمین می‌گذارم .
و از میان میله‌های زندان
به آسمان باز نگاه میکنم .

بارانهای بی پایان

نه روز باران بی وقفه
برای یک روز هوای دلچسب !
واقعا "آسمان بالای سرباید خیلی سنگدل باشد .
کفشهایم صدپاره شده‌اند .
جاده گلی پاهایم را گلی می‌کند .
ولی هرچه پیش آید ،
باید به حرکت ادامه دهم .

افسوس برای اوقات از دست رفته

آسمان لاجوردی

عمدا " می درخشد

تا مرا بیازارد .

اکنون ، هشت ماه را در قید زنجیر از دست داده‌ام .

هر روز معادل هزار تامل * طلا ارزش دارد .

کجا دوباره از روزهای آزادی لذت خواهم برد ؟

پائیز در زندان

*

در حدود ساعت ده ،

دب اکبر بر فراز کوه ظاهر میشود .

آواز جیر جیرک ها ،

باز برو بم خود

فرارسیدن پائیز را اعلام می دارد .

زندانی به تغییر فصل چه علاقه‌ای دارد ؟

او فقط رویای یک تغییر را دارد :

آزادیش را .

**

سال گذشته در آغاز پائیز آزاد بودم .

* TAEL واحد وزن در بخشی از آسیای شرقی ، همچنین

واحد سابق پول چینی که ارزشی معادل یک تائل نقره داشت .

امسال ، پائیز مرا در قعر زندان می یابد .
بخاطر انجام خدمات لازم برای کشورم ،
مطمئنا " میتوانم ادعا کنم که
این پائیز نیز بسان پائیز گذشته پر بار بوده است .

هوا خوری

بعد از اینهمه مدت عدم فعالیت ،
پاهایم مثل طناب کتانی شده اند .
با کوشش برای برداشتن نخستین گام ،
تلو تلو می خورم و سرم گیج می رود .
بلافاصله سرنگهبان از بیرون صدا می زند :
" خبر دار! - عقب گرد! پرسه زدن در حیات کافی است !"

شب پائیزی

در جلوی دروازه ، نگهبان با تفنگش می ایستد .
در بالا ،
ابره های پاره پاره ماه را دنبال می کنند .
ساسةا مانند گردان تانک
در مانورهای جنگی
به اطراف هجوم می آورند :
در حالیکه پشه ها
اسکادران را تشکیل می دهند
و مانند هواپیمایهای جنگی حمله میکنند .

قلب من هزار لی
بسوی سرزمین مادریم سفر می کند .
رویایم با اندوه بهم گره میخورند
چونان کلاغی با هزاران ریسمان .
بی گناه ،
من اکنون یک سال تمام زندانی کشیده ام .
از سرشک دیدگانم
مرکب میسازم
وافکارم را به شعر بر می گردانم .
هنگام خواندن گلچین هزار شعر
قدیمی ها دوست داشتند
درباره زیبایی طبیعی آواز بخوانند :
برف و گل ،
ماه و باد ،
مه ،
کوهساران و رودخانهها ،
امروز ما باید از آهن و فولاد چکامه سازیم ،
و شاعر نیز باید بداند
چگونه یک حمله را رهبری کند .

در برابر یک چشم انداز ،
شاخه‌های یک درخت
تصویری از چانگ فی رانمایان میسازد ،
آفتاب همیشه بیاد پارسائی های کوآن کو * می درخشد ،
امسال هیچ خبری از وطنم دریافت نکرده‌ام ،
هر روز برای دریافت کلمه‌ای از میهنم دقیقه شماری می‌کنم .
هوای مطبوع
همه چیز تکامل می‌یابد ،
این قانون طبیعت است :
بعد از روزهای بارانی ،
هوای تمیز فرا می‌رسد .
در یک آن ،
تمام دنیا لباس مرطوبش را تکان می‌دهد ،
هزاران لی در کوهساران
فرشهای پرنقش و نگار گسترده میشود .
در زیر آفتاب گرم و باد لطیف ،
گلها لبخند می‌زنند .
بر فراز درختان ستبر با شاخساران شسته از باران ،
پرنندگان آواز همسرایان سر می‌دهند .

* - چانگ فی و کو آن کو در دوران سه امپراطوری در چین دو ژنرال چینی بودند .

گرمی قلب انسان را لبریز میسازد ،
و زندگی دوباره بیدار میشود .
تلخی اکنون راه را برای شادمانی باز می‌کند .
این چیزی است که طبیعت آنرا اراده می‌کند .

بعد از زندان پیاده روی در کوهستانها

ابرها قلعه‌ها را در بر میگیرند
و قلعه‌ها ابرها را .
رودخانه پائین بسان یک آئینه صاف شفاف می‌درخشد .
در ستیغ کوهستانهای غربی ،
در حالیکه سرگردانم ،
قلبم در طپش است .
به آسمان جنوبی نظاره می‌کنم
و رویای دوستان قدیمی را در سر می‌پرورانم .

نشر بین الملل

مجلس سائنس اور ادب



۶۰ ریال

دیجیٹل کنندہ : نینا پویان